

خواهد بود و مستعدی هستیم که زیاده بر این تعویق را
رواندارند

ای کسبه و دکانداران ایرانی، پشرفت مقاصد نوعیه
و انجام خیراتهای همومیه هماره از پرتو غیرت امثال
شاهزادگان بوده است. آیا تصور میکنید که همقطاران
شما را امروز در تبریز چه حال است؟ آیا به تصور
می آورید که چگونه با شکم گرسنه سینه بی کینه خود
شان را جان جلوه گاه توب و توب و توب دادند. در
حفظ حقوق ملیه از جان شیرین گذشته اند. بخدا قسم
جای دارد که ما جانهای شیرین خود را فدای غیرت و
حیثیت ایشان نمایم چشم امید آنها به همراهی شما غیرتمندان
است. حال که شما در تبریز نیستید که پشت به پشت آنها
داده دفاع از حقوق وطن نماید اما با آنها برسانند
با آنها شریک جهاد ببال خود شوند. کسب ثنوبات
الطروی کنند نام نیک در دنیا از خود بیادگار گذارند
و ما یقین داریم که اگر یکی از مردمان بیدار حسن
دکان داران غیور ایرانی را جمع نموده بیغام این خادم
وطن بلکه ماله اطفال بدر کشته تبریز و احکام حجج
اسلامیه را از روی واقع بایشان برساند این برادران
غیور ما پیش از سایر طبقات ارازم همت خواهند نمود
تکلیف آقایان گرام منقضای اینقدر زحمت هست یا نه
بنده جسارت میتوانم نمود

ای دکانداران فارسی ایرانی مگر ایران وطن شما
نیست؟ مگر شما در حقوق وطنیه شریک سایر ایرانیان
نمی باشید؟ این مادر پیرفروتن وطن که زیر تیغ جلادان
بی انصاف گرفتار شده استفاقه نماید با اولادان خویش
می نماید. مگر شما شامل در اولادان وی نمی باشید
حقوق شما پیش از سایر طبقات مظلوم و باطل مانده.
در حریت مشروع اولاد وطن شما پیش از سایر برادران
قائده حاصل خواهند نمود. مگر نمیدانید که در
آذربایجان چه آذری بجای آنها فروخته اند؟ آیا سزاوار
است که شما تا این درجه از وطن و مادر وطن و
برادران وطنی خود کنساره جوی نیاید؟ تأیید کنید
باموال خود خیال آنان را در محافظه حقوق ملیه آنها
محافظه وطن را با جانهای خویش می نمایند. شما اندک
ببال خود آنها را تأیید کنید چه شود که غیرتمندی
در پیشی پیدا شده این برادران وطنی طرا بر سر غیرت

آرد و منق عظیم بر مادر وطن گذارد
توقع ما از متمولین ملت نجیبه زرتشتیه پیش از
سایرین است و این وظیفه جرائد معتبره فارسیه مانده
روزنامه (ساجار) و (جام جم) و غیره است که انجمنها
و مجامعای خیره ملت زرتشتیه را متوجه باین امر خبر
نمایند. و ما باز خواستیم خود طرا پروزایجات فارسیه
خصوصاً روزنامه شریفه (ساجار) (جام جم) و غیره
تجدید می نمایم

کسانیکه برخی ملاحظات موهوم مینمایند ممکن است
به تکلیف شرعی خود عمل نموده اعانه بدهد و اسم
خود را ظاهر نماید چنانچه بعضی از خیرین چنین
کرده اند

ولی این نکته را هم نا گفته نباید گذارد که اداره
استبداد در صورتی هم که باقی ماند آنها دو چار
شکایه و فشار بیشتر خواهند بود و من به آنها اطمینان
میدهم که اداره استبداد حکم آفتاب لب نام را دارد
و حال است دوام و قراری پیدا نماید. نهایت این است
که این جن و مرعوبیت ما چند روزی او را بخود بنامی
باقی گذارد. و سبق حاصل نماید از نجار غیور و کسبه
اسلامبول. سرمستی گیرد از سفیر کبیر اسلامبول که
با آن عهد جابل سبده ایره انگلیسی به مجاهدین تبریز
اعانه نمود

✽ اخبارات خارجه ✽

§ بعد فراغت از دوره افریقای جنوبی دست جات
جنکی (سر پرسی اسکات) را حکم رفتن به امریکای
جنوبی داده خواهد شد

§ (پرس بولو) وزیر خارجه آلمان ذمه داری گفتگوهای
امپراطور آلمان را نموده و استعفاى خویش
را هم کرده است. امپراطور استعفاء وی را قبول فرمود.
§ اخبار نج رسمی آلمان می نویسد که مسوده
مکالمات امپراطور بدوا به پرس (بولو) داده شده
بود. پرس منبور بدون ملاحظه در اداره خارجه
فرستاد. و اداره خارجه هم اعتراض نه نمود. پرس
(بولو) اقرار دارد بر اینکه اگر خود ملاحظه میکرد
مرکز اشاعه فیراد

§ رساله در آلمان اشاعت یافته که این سخن
غلط است که امپراطور بموجب رأی خود عمل می کند

از ملاحظه این انشاهه مدیران جراند بیشتر برانگیخته خاطر شده و فطرت‌های ماضیه را با یکدیگر می‌نمایند، و می‌نویسند که برنس (بولو) اکثر اوقات متابعت رأی امپراطور را می‌ناید.

امپراطور آلمان دیروز با برنس (بولو) ملاقات فرمود و تا دو ساعت ونج گفتگو نمودند در این موقع جمعیت بسیاری بیرون عمارت برنس مزبور ایستاده منتظر بودند.

امروز در (برلن) برنی از جراند اظهارات امپراطور آلمان را با انواع مختلفه توجیه نموده - از حیوانات جراند جناب مترشح می‌شود که شورش ملت ترقی نباید بجز از روزنامه‌جات می‌نویسد که در پارلمان آلمان که در تاریخ ۴ نومبر ملحقه شود درخوض سوال خواهد شد که برنس (بولو) نوشته‌جات دولتی را بدین‌جهت ملاحظه می‌کند که مخصوص به امپراطوری است. اداره خارجه آلمان اظهار داشته که روزنامه‌جات انگلستان با کمال بی‌انصافی می‌نویسند که امپراطور را لازم است کارهای شخصی خود را ملاحظه کند.

ولیمد آلمان دیروز عصر با برنس (بولو) تا درین گفتگو می‌نمود.

اداره خارجه آلمان بیان می‌کند که مسوده مکالمات امپراطوری را به انصراف که داده شده آنها را خیال این بود که اشاعت آن مقصود دولت است. و انصراف را فقط برصحت مواد تاریخی وقت باید کرد و بس.

(میسو کلبینسو) ضمن نطق خود اظهار داشته که دولت (برطانیه و فرانسه و روس) بدین اندازه که فعلاً در برقرار داشتن املیت و مصالحت و آزادی متحد شده هرگز نبوده اند.

در مجلس شورای ملی انگلستان دیشب (مستزمالین) در جواب (مسترویم ریدموند) اظهار داشت که در اداره جنگی هیچ نقشه جنگی تازه پیش نشده است. وقایع نگار (مارشک پست) از (شلنگهای) می‌نویسد که در (پوت) انقلاب شده (۱۰۰۰۰) فتنون (۷۷) جینی (امبان) را شکست داده آخر الذکر طرد شده است.

(لارد سکرزن) را توقف (اسکانند) خلیل برصحت افزوده.

(ولیم هاوردقت) به عهده رئیس جمهوری دولت متحده آنازونی منتخب گردید.

(بریدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس در مسائل راجعه به خارجه با (میسو کلبینسو و میسویستون) تا درین گفتگو نمودند.

در آلمان مجلس شورای مخصوص در امور خارجه برای اتصال امور مهمه منتقد می‌شود که مشوره با برنس (بولو) بشود.

بنگهای اسلامبول سرمایه خود را در حاله اروپا می‌رزد. سامان‌خنگ بسببه در اسلامبول وارد می‌شود در (سلانیک) صندوقهای بسیار قور خله از فرانسه وارد شده و بازهم می‌در پی می‌شود.

(رجستانک) پارلمان آلمان منتقد برنس (بولو) و سایر وزرا حاضر نشدند، لذا - مؤالات مرتبه بر گفتگونی امپراطوری معطل گذارده شد. بنسار این قرار بابت که رئیس هر جماعت حاضر شده مجدد در آنها مباحثه شود. و رأی قایم گردد.

مخبرانی که در خصوص (کاسابلنکا) بین دولترین آلمان و فرانسه جاری بود موقوف شد. این مخبرات درباره گرفتاری مفروضه سفارت شاه آلمان بود. دولت فرانسه از معذرت خواستن انکار نمود و دولت آلمان طالب معذرت قبل از رجوع به ثالث می‌باشد. جراند فرانسه می‌نویسد که دولت آلمان بدین‌جهت قوت میدهد خیالات خود را تا مسئله گفتگوی امپراطوری در پارلمان بکلمه شود.

روزنامه‌جات فرانسه تاکنون استقلال برای می‌پورزند. رساه بیان شده که کسبیه (کری دی اوریس) این است که دعاوی آلمان پذیرفته نشود.

روزنامه (اورور) می‌نویسد که دولت آلمان خیال دارد تاوه فساد تازه مشتمل نماید. هر چه باشد ما نیز آماده مدافعه آن هستیم. روزنامه (ایکودی پاریس) می‌نویسد که ملت فرانسه در امداد به دولت خود همه قسم حاضر و آماده است. قیمت سندات استقراضی زیر رو و رو به تنزل نهاده.

تلگرافی از (نیویارک) رسیده حاکم در انتخاب (مستزقت) ریاست جمهوری دولت انارونی اعالی همه خوشلوند.

از اخبارات (برلن) ظاهر می‌شود که مناقشه (کاسابلنکا) بتازگی بروز نموده اعالی ساکت و منتظر نتیجه‌اند. بطریق نیم رسمی در پاریس می‌گویند که این مناقشات ابدأ اهمیتی ندارد.

اخبارات نیم رسمی (پاریس) و (برلن) می‌نویسند که مناقشات (کاسابلنکا) را دولترین (فرانسه و آلمان) با کمال آسف فیصل خواهد نمود.

(لارد کروی) در مقام (سرپتن) دیشب ضمن نطق خود اظهار داشت که بر صلح و سلم بالکان تا امید نبوده چه دولت اروپا خواستند صلح آید.

§ مجلس شورای ملی فرانسه | معاهده تجارتی باجس را منظور نمود -

§ جهاز تجارتی ژاپون در (نیسی) قرب جزیره (ریشوروف) | (۱۵۰۰) مسافر غرق شد - و نیز يك جهاز تجارتی چین که از (اموی) رهسپار بود با (۶۰۰) عبری غرق گردید -

§ حالت وزارت معنی (آستریا) مشوش است - جماعة مزدوران بر خلاف تحریکات (مستر دیکن) میباشند و از امداد بدولت منکر اند - تلگرافی از (ملبورن) رسیده ظاهر میدارد که (مستر دیکن) مستقیماً خواهد شد و (مستر والس) به نظارت مزدوران قائم خواهد ماند -

§ صورت مخبرانی که قبل از جنگ افریقای جنوبی بین دکتور (لدیس) و حکومت (بوت) شده بود در (پریستوریا) اشاعه یافته از ملاحظه آف ظاهر می شود که دول فرانسه - روس - آلمان با حکومت (بوت) اظهار همدردی و همراهی می نمودند ، ولی ازین رو انکار از امداد او نمودند که دولت آلمان گفته بود دولت (برطانیای) دو قوی بجز بجزایر قوی است

§ (مستر بیرلی) ضمن نطق خود در (برلین) دیشب اظهار داشت که ممکن است روزی جنگ عمومی در گیرد، از این رو لازم است قوای بحری ما محکمتر از سایر دول باشد - و هیچ لازم نیست که ما نظر به استحکامات و قوای بحری آلمان داشته باشیم - آلمان هر چه بکند کاری بآن نداریم - ما باید قوای بحری خودمان را مستحکم بمانیم

§ قشون (آستریا) در (سیمبلن) برای - ف دادن آمده - از این رو در (سرویا) مردم مشوش و رنجیده خاطراند - قشون بحری (آستریا) در دریای (دینوب) قرب (بلگرید) مشغول مشق و از عبور يك جهاز (سرویا) از (سیمبلن) طام آمده اند -

§ امپراطور آلمان در (شوتلین برن) برای ملاقات امپراطور آستریا وارد شده، تدارک این ملاقات از جلدی قبل دیده شده بود -

§ ولیمپد (سرویا) از (پترسبرگ) مراجعت به (بلگرید) نمود - اهالی با بذرائی شایان استقبال نمودند

§ وزارت (آستریا) بسبب مشکلات داخله خود استعفا عوده به از مناقشات خارجه -

§ درباره اتصال مسئله (کاسابلانکا) دولت فرانسه

تحریک دولت آلمان را منظور نه نمود - تحریک دولت آلمان این بود که پرنس (بولو) بر حرکات قونسل خود ناراضی ظاهر نماید ، و دولت فرانسه بر کارروائی قونسل خود اظهار تأسف کند - دولت فرانسه افسران خود را هیچ نوع مقصر نمی داند

§ دولت (هولاند) عهدنامه را که در سنه ۱۸۹۴ با (وینزولا) بسته بود منسوخ نموده - از این رو افسران بندر (کوراکیو) را حکم شده که در حمل اسلحه و قورخانه مداخلت نه نمایند

§ (کاونت برنستوف) نماینده آلمان مقيم مصر سفارت (واشنگتن) مأمور شد

§ بین آیب وزیر خارجه آلمان و (میوکویسیون) نا در باز گفتگو بود ، اول الذکر بر حالات (کاسابلانکا) بر تحریک تازه آلمان زور داد و آخر الذکر بر انکار خود بر قرار ماند ، اول الذکر بالاخره وعده نمود که وی با پرنس (بولو) در این باب مشوره نماید § مناقشه (کاسابلانکا) نزدیک باخصال است ، دولت آلمان مسترف است بر اینکه در بیان واقع بین دولین فرانسه و آلمان تفاوت کلی است از این رو لازم است که در این مسئله رجوع ثالث شود

§ در مجلس ضیافت (لاردهیور مستراسکویت) ضمن نطق خود اظهار داشت که تمزلی که فعلاً به تجارت رسیده تا زمان در ز نخواهد ماند بشرطیکه امانت باقی باشد ، و این مطلب غلط است که دولین انگلیس و آلمان بسبب عناد فرق جداگانه بشارند و من قائم بر اینکه امپراطور آلمان طالب قیام امانت است ، دولت انگلیس استحکام قوای بحری خود را اولین امر اهم خود میداند

§ در (رجسٹک) آلمان امروز هجوم زیاد بود (هر پیرمن و هراویر) وکلای ملی بر مداخلت امپراطور آلمان در کارهای ملکی بحث عوده اظهار داشتند که کی خاعه این وضع سلطنت خواهد شد، از گفتگوی امپراطور در عرجا علامت رنجش نمایان است و معلوم نیست دولت چین و ژاپون و امریکا چه گمان خواهند نمود از دستة بحری (یسیک) که میبایست شود ، پرنس (بولو) این مرتبه از علوش طبیی خود دست برداشته اظهار داشت که در این چند روزه او از امپراطور خواهش کرده که در آتیه با استقلال مزاج متوجه امور باشند ورنه هیچ يك از رجال ذمه دار هیچ نمی تواند نمود

تکراف مخصوص

از اسلامبول ۱۶ شوال ۱۳۰۶

توسط جبل‌المتین - عموم ایرانیان هند، طاقت‌شاه
بصدد خود وفا نکرد و پارلمان نداده، آیا هنوز وقت آن
نرسیده که تصب دیانت و حمایت قومی را شمار نموده
در احقاق حقوق وطنه تأسی به برادران خود در ترکی
و تقفاز نماید که همه ترک کسب و کار خود نموده با
بجاهدین تبریز هم آواز شده‌اند؟ احکام رؤسای روحانی
را مگر ملاحظه فرموده‌اید؟ کو اطاعتان به تبریزیان؟
اگر چهار روز ترک کسب و کار گرفته برای همیشه آسوده
شوید بهتر است ازین که هماره در فشار استبداد مانده
اموالتان دستخوش قطاطان طریق باشد (ایرانیان)

جبل‌المتین

ایرانیان کلکته رای جمع اطامه مهیا گردیده چنانچه
از اخبار جبل‌المتین مشهود است، و هفته گذشته نیز
مقتصد و پنج لیرا که از وجوه اطامه وصول شده بود
مانجمن ایالتی تبریز گیل شد، ازین و بعد هم متدرجاً
وصول و بدون تأخیر به انجمن ایالتی فرستاده خواهد شد
از غیرت مندان رنگون که قبل از همه اقدام
نموده و با اطلاع داده بودند بشاری خبر رسیده که
بالغ رده هزار روپیه جمع نموده عنقریب میفرستند
در ختام ما از جناب مستطاب حاجی محمد یوسف
صاحب تاجرایان المعروف بکالی و خانواده حبل‌ایشان
کمال تشکر را داریم که شرفی شایسته درین اطامه
نموده‌اند، خودشان هزار روپیه و علوه عیالشان
دویست روپیه و صاحب زاده مکرمشان آقا میرزا
جواد (پرستاریت لا) که تازه از محصلان لندن
فراغت نموده رنگون آمده‌اند سیصد روپیه داده‌اند
هزار و پانصد روپیه فقط از یک خانه داده شده است
امیدواریم که سایر تجار محترم نیز همین گونه بذل نوحه
فرمایند، هنوز فهرست معاونین رنگون کاملاً بداره
نرسیده پس از رسیدن در جبل‌المتین درج خواهد نمود
خواستی که ما از آخرین محترم داریم این است که در
فرستادن وجوه اطامه عجلت نمایند که هر قدر زودتر
وجوه اطامه به تبریز برسد بهتر است

تمولین و محترمین و کسبه عینی هم چنانچه از خطوط
عدیده ظاهری می‌شود در کار هستند، امیدواریم موافق
شان و لیسانت خود اقدام نمایند که مورث رو سعیدی
تمام ایرانیان هند گردد و نتیجه اش را با کمال افتخار ما
در جبل‌المتین اشاعت دهیم
در حیدرآباد دکن نیز جناب مستطاب آقای
دامی‌الاسلام و جناب جنرل اقدی و سایر غیرت‌مندان

در کار اند، نتیجه را من بعد اعلام خواهم نمود و همین
قسم از سایر ایرانیانیکه در سایر بلاد هند سکونت پذیر
میباشند امیدواریم که چنانچه باید و شاید اقدامات لازمه
درین امر خیر فرمایند

ایضاً

تکراف مخصوص اداره

(از یادگوبه ۲۰ شوال)

دیروز که مبعاد افتتاح پارلمان بود با اینکه منتهای
سختی و نگرانی را دوات از قبل نموده بود اهالی
غالب بلاد ایران مجوش و خروش آمده افتتاح
پارلمان را خواستگار شدند، و بسیاریم به نمایندگان
خارجی رجوع نمودند، زد و خورد هم مخصوص در
طهران بسیار شده ایرانیان خارجه هم درین روز
تلاکرات بمرکز مختلفه کردند، کم کم دارند سایر شهرهای
آذربایجان ملحق به تبریز می‌شوند، مانند زنجان و
تبریز منتظر انقلاب عظیم باشید چه باختیار مجلس
نمیدهند دواتیان مانند وقتیکه مجلس را برهم زدند شای
سختی و شدت را نهاده‌اند تبریز در تدارک اردو کشی
بطهران است

تکراف ایرانیان تفلیس بشاه

توسط جناب وزیر امور خارجه خاکبای مبارک
همین ارواحنا فداء حالات موجوده تبریز، ناله قلب
هر حجر و شجر را بشماره حرارت از فرش برش
میرساند، این عجارهای مبتلا مصائب و متاع موجوده
اولاد و عیال و اقوام و برع فدویان هستند، آیا چه
واقع گردیده که باید در این رمضان صوم بصوم ازین
قوتی و غذائی ببرد، که پیوسته و ارامنه آنها نرحم
مینمایند و از مساعدت مسلمانان باید اهالی مسلمان تبریز
محروم باشند، استدعای طاحزانه داریم که بذل مرحمت
باعطای مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی و
اجرای قوانین اساسی و احضار قشون و طرد مستبدین
از تبریز و اصلاحات کلیه امور تبریز را زود فرمایند
امضا - عموم ایرانیان

جواب ایرانیان تفلیس

(توسط حوال قونسلگری عموم ایرانیان)

معروضه‌ها عرض رسید حسب الامر جواناً اعلام
میکنیم این انقلابات آد ما بچار نسبت بسوه رفتار اهالی
آنجاست، استعرار اردوی دولتی و اقداماتیکه میشود
برای حفظ جان و مال مظلومین و دفع اشرار است،
مجلس هم که موافق مزاج مملکت و قوانین شریعت وعده
فرموده‌اند اعطا گردید، انعقاد آف نوزدهم شهر

گفته ، قوه قلبه درگراست اگر امر به نصیحت از پیش میرفت حضرات آیات ائمه عبور نمی شدند که این گونه احکام صرفه صادر فرمایند . پس بر هر فرد ایرانی لازم است که تأیید نماید جلد و جان به امالی تبریز و اقدام در پیشرفت مقاصد آنها به نماید

حقیقه اطلاق

دفتر اطباء مصیبت زدهگان تبریز در تجارتخانه جناب حاج میرزا مهدی و اولاده تاجران اسفهان باز و هر یک از آخرین بخواهند در این افضله تجارات شریک و وجهی از دور و نزدیک فرستند به تجارتخانه موصوف بادرس ذیل رجوع نمایند هر وجهی که به تجارتخانه موصوف برسد بدون هیچگونه مصارفی که بر آن تعلق گیرد روز دیگر باجهن ایالتی تبریز خواهد رسید و قبض وجه از اجناس ایالتی تبریز دریافت و در روزنامه جبل اللتین هم اشاعت خواهد یافت

(کلکت پست افسیس هوایاز حاج میرزا مهدی و اولاده تاجران اسفهان)

اساسی مساوین بیوهگان و ایتم

ایران عطف باسابق

نام	روپیه	مقیم
والا حضرت سردار ایوب خان	۱۰۰	لاهور
دین شاه ادلی و اجماع	۲۰	بهمنی
جمع	۱۲۰	
جمع سابق	۲۵۲۱	
جمع کل	۲۶۴۱	

حقیقه اطلاق

تجارتخانه در شهر اسلامبول تشکیل یافته و هر گونه فرمایشات تجار خندرا انجام میدهد تجار مسلم از هر قبیل خرید از اجناس تجارتی را که مطلوب باشند با تجارتخانه مذکوره التیله می توانند معامله و مراه نمایند - جنابان محمد قلیق و شرکه - باقیه کباب یلدرهان نوره ۷ - اسلامبول

علاج بیماری لا علاج

اگر طالب صحتید - اگر وستن از امراض را میخواهید ، اگر لطف از حیات و جوانی می طلید کتاب صحت نامه که مجاناً فرستاده می شود از ادوس ذیل طلب نماید

حکیم داکتر غلام نبی
{ زبده الحکماء }

(لاهور)

شوال مقرر گردیده ، و صورت دستنظ با پست ارسال میشود با این فضل ملوکه دیگر نخبین شما مناسبت ندارد ، بهتر این است در سایه مقدس شاهانه آسوده مشغول کار خود باشید ، بدیهی است در کلیه امور ایران و آذربایجان و آسایش عموم هر فراری باقتضای رأفت ملوکه مقرر دارند جاناً و مالاً عموم ایرانیان از آن بهره مند میباشند امضا (ملالسلطنه)

جبل اللتین

وزرای ایران تمام همتان این است که بافضائل تو خالی خوش ظاهر مردم را فریب و دغا دهند ، میداج خودشان از بیان این الفاظ (فضل ملوکه - رأفت ملوکه - مراه ملوکه) خجالت نمی کشند و جرأت ظلم سکه سراسر وحشت حرکات - دانات صفات - رذالت طبع - وحتبگری طبعی آنان را آشکار میدارند نمی خواهند ؟ آیا مذاقه نمی کنند که وحشی ترین اقوام خون خوار ، از حرکات وحتبایه آمان بوحشت اندرند ؟

همچو آیا شاه و وزرا چنان گمان می نمایند که این وضع ناگوار را میتواند استدامه دهند ؟ آیا هیچ تصور میکنند که تاریخ قباغ اعمال آنها را مستور خواهد داشت ؟

ای وزرا و امرا و ارباب خود دربار بدانید و آگاه باشید که منقریب دوره استبداد سپری خواهد شد ، و ملت بر شما استیلا خواهد یافت ، و دطر از روزگار یک یکتان بیرون خواهد آورد ، ظلم و ستمی که شما در ایام غلبه بر ملت کردید هرگز فراموش نخواهند نمود حق الله شما سلف را از یاد مات برد ، به ترسید از غضب ملت یقین بدانید که اگر عمر خودتان درك آن روز را به نماید ما اولاد و خانواده نان همان خواهد نمود که شما با ملت نموده اید ، بی است حال دیگر از ملل سایر که باین سخنان تو خالی شما معذرت شرم نماید ، خجالت بکشید و برای روز تارک خود و اولاد خود پیش چرافی نگه دارید ای ایرانیان غیور قلیس ای برادران وطنی بدانید و آگاه باشید که شاه و درباریان اگر از هیاهوی تلگرافی مجاده عدالت می آمدند کار با نجاها نمی کشید ، آیا هنوز هم امر بشا مستور است که قوه مجریه شما با مشروطه همراه بوده و نیست ؟ آیا هنوز هم مجریه حاصل نکرده اید که تا قوه مجریه با مقننه همراه نشود هیچ کار از پیش نخواهد رفت ؟ این شاه با مشروطه همراه نبوده و نخواهد بود ، یا این جواب را بخواهید یا مشروطیت سلطنت را ، و راه نجات ملت در اخط مشروطیت همان است که برادران غیور شما اهالی تبریز اختیار نموده اند ، همان است که حیوان ترك اختیار نمودند ، امروز کار از تلگراف و اظهار دربار

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablu Matino Office

Medical College St.,
CALCUTTA.

و کلا ذمه دار ابونجات مشترکین اند

(بدل ابوت اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراك

سالانه -- شش ماهه

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپه -- ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات -- ۶ منات

المتین

سنه ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

هر یوم دوشنبه

۲۸ شوال ۱۳۱۶ هجری

مصادف با

۲۳ نومبر ۱۹۰۸ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

تکراف انجمن سعادت ایرانیان

بجج اسلام نجف اشرف

حضور مبارک حجج الاسلام طهرانی - خراسانی
مازندرانی - انجمن ایالتی تبریز تکرماً میگوید

در این نواحی تأمینات بلدی و نظم امور مهمه کامل
و تا کنون بمحقق هیچیک از اتباع خارجه از طرف
احرار هیچ تخطی نشده ممالک نظر بدسایس بلتیکی
از جانب حمایه شاهی در صدد سوق یک آلائی سربرار
مستند، باقتضای سیاست تحقیقات لارمه را اطلاع انجمن
ایالتی، محض اطلاع عرض شد آقایان تکالیف شرعی را
بتر میدانند انجمن ایرانیان

جبل المتین

این تکراف مبنی بر آن واقعیتست که در عشر اول
شوال واقع شده و تکراقات راجعه بآرا ما در شماره های
سابق جبل المتین درج نموده ایم، حسن سلوک و رعایت
مالی و جانی که اهالی تبریز در حق عموم رعایای خارجه
ایراز داده اند، یکی از آثار بزرگ تمدن اهالی آذربایجان
محسوب است با این همه خون ریزی و انقلاب تا کنون
از طرف ملت هیچ سوء نواکتی نسبت برعایای خارجه
نشده ایرانیان میتوانند دعوی نمایند که در حین انقلابات
هیچ مملکت مال و جان رعایای خارجه مانند ایران در
حفظ و امان نبوده، و شاهد بر این انقلابات چند سال
پهل روسیه است که احدی فراموش نه نموده که چه قدر

حساره مالی - بی رعایای خارجه وارد آمد، فقط
قصانات مالی و جانی که رعایای ایران وارد آمد و جمیع
جرایم حق ادارت رسمی روس تصدیق نموده
که خیلی عظیم و مهم بوده در اثبات این مدعا کافی
میدانند، نهایت این است در سلطنت قاجاریه مال و جان
رعایا را قرب و منزلتی نبوده و نیست

این مطالب طشت از بام افتاده است که چون
تبریزیان غیور بقوه قاهره قشون دولت را مقنونی بلکه
ریشه قوایم سلطنتی را از حطه آذربایجان کنده
محض حایه شاه این گریه بو ظهور را رقم زده اند،
اقدامات عانی که روسها از ابتدای امر تا کنون بحمایه
شاه بر مخالفت مشروطیت نموده نه چیز است که سوار
مسنور داشت، این اقدام هم یکی از آنهاست

بر او باب نصیرت پوشیده نیست که این جوان اسلام
فروش از یکسال باین طرف هماره تهدیدش این بوده است
که قشون از روسیه طلب خواهم نمود، چنانچه وقت
پیل سوار ریخت و قشون روس را بداخل مملکت آورد،
نهایت مجلس به تدابیر عملی جلوگیری نمود و ره ما
وقت نقشه برآدی آذربایجان را کشیده بود

غرض روسها از این اقدام غیر مشروع دو نکته
است، اول آنکه مجاهدین تبریز را مرعوب شاه نموده
بمقصود خویش نائل آیند، و اگر این نشد به تدابیر
بلتیکی گریه رقم زده این چهار صد قزاقی را وارد نمایند

ورود همین چهار صد قزاق اجنبی برای افشاش آذربایجان بالأصله کافی است ، بستن ابواب پناه خلیلی دشوار و همین اقدام خود سبب می شود باتلاف نفوس و اموال خارجه و مذاقته با قزاقان بهانه رسمی میگردد رای ورود اردوی روس در آذربایجان

اگر چه انجمن ایالتی آذربایجان در عشر آخر رمضان بجمعیت نمایندگان و سفرای دول رسماً اعلان نموده که تا جایکه در فیضه مشروطین است حافظ مال و جان رعایای خارجه خواهند بود ، ولی چون معلوم است که غرض همسایه ها می باشد ندایر جدی هم حتی الامکان لازم است

مثلاً امور راحه بخارجه را تنها نگار گذار نگذارید ، برای عاقدات خارجه و رسیدگی امور جزئی و کلی اجاب و حفظ مال و جان آنها هیئت در کارگذارخانه دولت تحت ریاست کارگذار مقرر دارند ، و این هیئت نصف از رعایای خارجه باشد و نصف از رعایای داخلی مثلاً یکی از رعایای روس ، یکی از عثمانی ، یکی از آلمان ، و یکی از انگلیس و چهار نفر هم ایرانی که روپهم رفته با رئیس که کار گذار است نه فر میشوند ، البته لازم است این هیئت را موقتاً سمت رسمیت بدهند ، تا این هیئت نگران حقوق مالی و جانی خارجه باشند ، وجود چنین هیئت که نصف اعضای آن از خارجه باشد تا درجه میتواند دافع رخی پناه جوئیهای عانی همسایه شمالی گردد

دیگر حفظ نزاکت بین المللی است اگر چه جلو پناه را نمیتوان گرفت ، ولی باز هم تا جایکه ممکن است باید مراعات کرد ، ما این حال نیز اگر همسایه مهربان ما ترك پناه حونی و عود و از اراده وارد نمودن قشور در تبریز بار نیاید سار نمایندگان دول خاصه عثمانی را هم بر آن دارند که برای محفظه مال و جان رعایای حویث بهمان مقداری که روس قزاق وارد تبریز نموده اونیز به نیاید اما تکلیف سیاسی رؤسای مذهب حنفی بعهیده ما این است که بحیثیت ریاست روحانی بهر ذریعه رسمی که میدانشند و تمام نمایندگان دول و پارلمانی ملل بیگانه اند که بنابر مذهب حنفی تا رعایتیکه اهل کتاب از دائره عدایت خود خارج نشود حفظ حقوق و رعایت آنها هم رسم بر ملت شیعیه لازم است ، و ما نیز همواره اینگونه سفارشات لازمه را درین موضوع به شیعیان نموده ایم ، این است که تا کنون نیز از طرف شیعیان هیچ گروهی حتی از خارجه تلف نشده است

اینک دولت روس میخواهد با از دائره حقانیت خارج گذارد و بدون استحقاق و لزوم سیاسی قشون در آذربایجان سوق دهد ، درین صورت اگر ملت ایران

جامه شکیبائی چاک زند و ما ناچار از بیان کلمه حق شویم هیچ گونه لکه مخالفت اصول تمدن بر ملت شیعیه وارد نخواهد گردید ، چه امروزه قوای تمدنی ایران در ظل تدبیر ایرانیان است ، و در چنین موقع مجبور باستعمال قوه دیاتی خواهند شد

معلوم است که پس از صدور احکام دیانت ولو حاوی تخصیصات هم باشد تمیز تخصیصات آن رایع هم ام بی دشوار بلکه از نعمات میباشد ، لذا ممکن است در چنین هنگام و هنگامه تر و حشک نامم سوزید ، و ما گناه و سبکناه از هم فرق نشود ، آن وقت نیاید مذهب مذهب حنفی منافی با رعایت حقوق اجنبیه شناخته آید ، لذا ما بسمت وکالت روحانیه که زجیب حنفی مذهبیان ظلم داریم آواره این ناحق کاری و نگوش مصلحتین کره رض مبرسانم و تمنا میکنم که دولت روسیه را محفظ حقوق همسایگی ایران نصیحت نماید ، و نیران منافرت دولت بزرگ را که قرها خوده است دامن نزنند - یا قریب باین عنوان

اگر باز دولت روس هوش نیابد آن بزرگواران هم بهر قسم که تکلیف شرعیان اقتضا نماید عمل فرمایند دولت روس باید بداند که درین سودا چندان سود حاصل نتواند نمود و این قضیه را به پیکه سوار قیاس نتوان کرد ، شاید رفته رفته این حرکت سبب شود که سالها جوی خون در قفقاز و ماورای بحر خزر و ایران بین مسلمان و روس بدون هیچ نوع بینی ساری و جاری گردد ، گویا هر قدر فیضه بربك قطعه ابراف درین مخالفت دوات با ملت سهل ما باشد ، بهمان انداز همش دشوار گذار است

و ما امیدواریم که رجال با سیاست و حکیمت روس در حفظ اتحاد دیرین و جلب توجه قای ملت ایران بکوییده از خیال اجحاف و زیادتی بربك همسایه که تا این درجه گرفتار انقلابات داخلی خود است و تا امروز هیچگونه ضرری از او بر هیچ يك از همسایگان نرسیده بار آیند

سپاسداری سردار ملی ایران

حضرت ستارخان و ستایش شهر مقدس

(تبریز از خانه منیر)

شاه محمد علی چون ره طغیان گرفت
پیرو ضحاک گشت شیوه سامان گرفت
نورس مشروطه را از بر ایران گرفت
لطمه بر اسلام زد نکته به قرآن گرفت
جان وطن را بظلم زار و پریشان گرفت
تا که وطن یابوری ز افز باجان گرفت

(عمت ستارخان هرصه دوران گرفت)
 (ماء سرسلجمنش سرحد کبوان گرفت)
 حضرت ستار خان سائر اعمال زشت
 داهیه روزگار تا در غیرت سرشت
 حبه حب الوطن چون بدل خویش گشت
 مال و سرو جان و تن در ره ملت بهشت
 پنبه نمود آنچه را میر پساد برشت
 تا شه شطرنج را کرد چنین مات و گشت
 (هر طرفی سطونش دفتر دیوان نوشت
) هر حق حضرتش کشور دیوان گرفت
 سردار ملی ستارخان ، ای قهرمان حریت و مساوات ،
 ای حامی حقوق اسلام ، و مروج قواعد قرآن و علم
 دار مشروطیت ایران رنده باش
 حجت عصر و زمان تا کرت را به بست
 موکبه ظلم را ککوکه عدل گشت
 از هنر و هنرم تو ملک ز خذلان بخت
 لشکر توفیق تو دشمن بیدین شکست
 از دم تیغ برزم هیچ ستمگر نرست
 بارقه حق نمود بیرق اتحاد بست
 (حماکتی را که داشت دیو بدستان بدست)
 (رسم هنرمت فشرده پای پایان گرفت)
 دوره تاریک را ای تو فروزان سراج
 آخته دست و قاتلخته هر علاج
 ساخته از خاک خون داروی حفظ المزاج
 تا که ز حفظ مزاج عدل بیاید رواج
 شاد بیاید وطن شاد بزاید نتاج
 چه نیکه گریسته ازین قلع لجاج
 (حکم تو خواهد گرفت از همه عالم خراج)
 (دائره را ابتداء از خط ایران گرفت)
 بنده احسان تو خاصه ما عام ما
 صبح صفای تو رود تیرگی از شام ما
 لبیکه ی قیوم شسته شد از طوم ما
 قوت قلبت فرزد قدرت اسلام ما
 فخر بذاتت میکند دوره ایام ما
 ای که ز آثار تو نیک شد انجام ما
 (ویکه جو و حوشید جرخ اری آرام ما)
 (شیب فراز جهان هنرم تو بیک سر گرفت)
 تبریز ای فرزند غیور مادر وطن و جگر گوشه
 شجاع و دلایند ایران تبریز -
 تبریز ای شهر مطابق الاحزام و مستحق النظم
 و لازم التقدیس ایران تبریز -
 تبریز ای آتام ایرانیان و ایران بنیادیت تبریز -
 تبریز ای غمخوار مادر تبریز - ای نگهدار مادر

تبریز -
 تبریز فقط تو بودی که در راه محبت مادر بدبخت
 از اتفاق مال و جان دریغ نکردی . و بر قتل جوانان
 نوری و شجاعان ممتاز و دایران همتا و انبازت
 درین راه دریغ نخوردی - مگر این مادر مظلوم بغیر
 از تو فرزندی ندارد که تنها تو تنهای اولاد هنرپرست را
 چون گوسفند فدیه جبهه سلامتی و حفظ او از موت
 ادبی دست و دست گله و گله قربان گاه میفرستی .
 ای مادر شرمنده احسانت تبریز
 ای مادر با تمام سائر اولادش به قرانت تبریز -
 واقعا تبریز تو بسیار محبوب القلوب و حق شناسی
 و شایسته تقدیس و سپاس . این است که امروزه علماء
 حقه و نواب حقیقی امام علیه السلام مانند حضرت
 حجة الاسلام آقای شیخ عبد قده مازندرانی و حجة
 الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و
 حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل
 اطانت تورا و اعوان ترا و عاهدین ترا و انصار ترا
 چون اطانت اعوان و انصار حضرت خورشید رسل و
 شمع سبل صادر اول و عدل کل خاتم الانبیاء محمد مصطفی
 علیه و آله آلاف بحیه و الثناء واجب دانسته و محارب ترا
 در عداد بزبان معاربه میشارند . حنیفاً لك ثم هنیئاً لك
 بشنوید بشنوید ای اشاء محبت ، ای اولاد پیغمبر
 ایران ، ای گیلان ، ای استرآباد - ای مازندران - ای
 خراسان - ای عراق - ای اهل مکر و فاق - ای
 فارس - ای کردستان - ای کرمانشاهان - ای کرمان -
 ای لرستان - ای خوزستان - ای ترکی ها - ای وافوری
 های بیدین ها شنوید ، که خطاب قلم با شامت ، اگر
 دین دارید ، اگر معتقد بامر شرع اور حضرت خدی
 مایب هستید ، اگر اعتقاد بحقیقت قرآن دارید ، اگر
 معتقد بامر و احارة حجج الاسلام و اعمرتین عالم و
 رؤسای مذهب حمیری هستید ، با این احکام مؤمنه
 چه شده که در شما مانند جنادات لاهل مثل حترتی
 که دور شاه بدخواه عالم انسانیت را گرفته اند حترتی
 پیدا نیست ، گیرم شمار لائیه ، گیرم تصوف ها ،
 گیرم عرفانهای پوسیده ، گرفته حشیشی بی پر ، و نریک
 پیغمبرت حسن انسانیت و غیرت اسلامیت از شما بر .
 یعنی مرده اید ، یعنی حسن ندارید ، یعنی وجدان در
 شما وجود ندارد ، یعنی هنوز هم درین موود خوب
 خواهید داد
 بسکه در چشم فکار بر قلب بیارم تو
 هر که را از دور بدم باز بندارم تو
 ولو امیر پساد باشد ، ولو ایاقوف باشد ، ولو محمد علی
 شاه باشد ، خواهی فرمود باز بندارم تو ، ولی بجز

نہا و ہرگز خروس علیشاہ و بسیلہای نامردانہ طاؤس
 ملیشاہ کہ بد پنداشته ابد، از جاب حق نیست بجز خیرہ
 نام بدیہای عالم از بسیلی و جہمتی و بی وحدانی خود
 ماست، ما قائل غنصاریم در نظام گناہی نیست، و بر
 نظام ایرادی نمیباشد، ہمہ گناہ و تمام ابراد بر آن
 کسایت کہ قبول ظلم می کنند بجهت آنکہ خدا در قرآن
 نرمودہ (فضل اللہ للمعاہدین علی القاعدین)

حد خدا را بجاہدین تبریز یعنی مدافعین از حلالہ ظالمین
 این شرف شایستہ را ربودند و جنابہ تعالی در چراغ
 زیر تریاک و جام کنیاک و حضرت ششیش غنودہ ابد
 آخر ای بی اصفافہا از امانہ مالی کوتاہی ننکندہ جان
 مان ینکتس صرفان چون قابل نیست لا اقل از آن
 پولہای قابل تان امانہ مالی باین برادرہای خود ار
 حرمین قدر خر دلی دریغ ندارید، ایکانی نہ ایران بودی
 ونہ اولاد انہای مثل شاہا داشتی، حیث از ایران، دریغ
 از ایران، کہ امروز اولادی ندارد مگر یک کہ آنہم از
 شدت حلالہ اشکر بزید باید سراپا مجروح است، آن
 کیست آن همان تبریز است کہ کرور ہا مال داد و
 ہزارہا جان میدہد

(ای مادرت فدایت تبریز)

صفحة تبریز هست در حق ایران جو سر

صفحة تبریز هست قلمہ فتح و ظفر

تا کر خیر او بست بی دفع شر

حسنت بمردانگی اشکر ربو و مکر

ما کون شامسون کاکہر و کرد و فجر

سد جو شجاع نظام صد جو رحیم خان خر

(گشته گریزان و مرگ گفته کہ این المفر)

(چونکہ دم توپ را باد بہاران گرفت)

تبریز - ای تبریز - ای اقتدار صفحه

(تاریخ ایران تبریز)

آن خلق تو کہ نیک بہرہ وطن برد از تو

نخل عدالت شکفت ظلم بہ پژمرد از تو

شاد شد اسلام ارو کفر بیفرد از تو

زندہ شد ایمان از تو زندقہ ہم مرد از تو

خاصہ دم تیغ تو ہرکہ دمی خورد از تو

شد بچہم بسا ما کون و کرد از تو

(گرچہ ترا خاطر نیست مورن سازد از تو)

(لیک در اسحق حق ارقم و سعبان گرفت)

دوش کہ در اسحاق بود سراپام گوش

در خیر خوب و بد وز نہر خبط و عروش

مزدہ قنق ترا داد بمن تا سروش

بادہ حب الوطن گفت منبرا بتوش

حلالہ شیران شکست قاطرکان جوش

جلہ گریزان شدند کردہ علم دم و گوش

(ز فرح فتح تو طبع منیرانہ دوش)

(بند تضامین مدح گفته سلمان گرفت)

تکرافات روتر واجع بایران

موجب تلکرافیکہ از تبریز در بترسبرگ اشاعت

یاقہ قزاقان تحت فرمان کرنلہ لباکوف ملحق بمشروطین

شدہ اند (ما درین موضوع رأی خود مان را در

آنیہ بیان خواہم کرد)

از تلکراف طهران کہ بانند رسیدہ ظاہری شود

کہ شاہ اعلای ہدیہ مضمون اشاعت دادہ است

و چون بر ما معلوم گردیدہ کہ اہالی ابرار مخالف با

سلطنت مشروطہ و انعقاد پارلمان ہستند لذا بخواہش

آنها عمل می نمایم، علاوہ بر این چون ملاہا فتوی

دادہ اند کہ انعقاد پارلمان و سلطنت مشروطہ مخالف

با قوانین اسلام است ازین دو اظہار میداریم کہ ہرگز

سلطنت مشروطہ دادہ نخواہد شد، و پارلمان مطلقاً ملغی

نخواہد گردید، ازین اعلان ظاہری شود کہ شاہ

دستور العمل بری فتوح عدالت خانہ خواہد داد کہ

با قوانین اسلامی موافق باشد

حبل المتین

این نکتہ بہ نظر واقفان رموز تازی و اہمیتی

ندارد، چہ از وقتی کہ پارلمان بر ہم خورد خیالات

شاہ واضح بود، نہایت آنکہ عقب موقع و بہانہ میکشت

حالا گویا موقع و بہانہ بدستش آمدہ اظہار عقاید خویش

عمودہ، و این امر واقع نگردیدہ و شاہ را باین جرئت

و انداشتہ مگر ہمراہی مسایگان با خیالات او

نہ بدنام هنوز ہم امر و دانشمندان ما پوشیدہ، و

متنظر اند کہ در وساطت و حیاہ مسایگان مشروطیت

خود را حاصل نمایند؟ افسوس کہ من عاجز ز گفتن

خلق از شنیدنش، خوب است بہ نگارشات پنج ماہہ

حبل المتین درین موضوع خاص رجوع نمودہ تا بہر امر

بر ایشان واضح گردد

حالا بنمات و شاہ امر یکطرفہ شد، اگر ملت

استقامت ورزید و قوہ ملیہ مشروطیت خود را حاصل

نمود دارای این سعادت خواہد بود، ورنہ باید مانند

گاو گردن بزربار استبداد گذاردہ تا جانش بیرون آید

مقصود این است کہ حالا دیگر کار از واسطہ

انگیزی و خواہش از دربار ہابزین گذشتہ، باید یا

روی روم شوند، یا زنگی زنگ، و عنقریب شہیدہ

خواہد شد کہ واسطہ های مشروطیت یعنی مسایگان باعدن

یک گریہ نو ظہوری ہم برای آذربایجان برنسانند

نقل از روزنامه شریفة انجمن تبریز

مخارباتیست که در بدو ورود

شاهزاده عین الدوله اهالی تبریز

(با او نمودند)

بشرف ملاحظه حضرت اقدس والا دامت شوکت
 میرساند، بعد از تقدیم تبریکات صمیمانه و ورود مبارک و
 اظهار تعلیقات قلمی معروض میدارد، تاریخ دنیا شاهد
 است بر اینکه مطالبه هر ملتی حقوق خود را یا بطریق
 تکامل بوده و یا از شدت فشار ظلم و استبداد حاصل
 گشته است، این دو شق را يك شق ثالث هم هست،
 عبارت از اینکه سلطان يك مملکت از اثر اتباع شخص
 خود حقوق تبعه خویش را اعطا نموده و ملت را
 بنعمت آزادی رسانیده و الی الا بد مظهر محسن
 جهان و مایه افتخار اقطاب و اخلاف و بار ماندگان
 خود میگردد، البته نظر راست بین حضرت والا متوجه
 این يك نکته بوده است که اهالی ایران به از راه
 کامل طبیعی درك این مقام نمودند و به اعلیحضرت
 هاجونی برضای خاطر ذات خسروانه در این سر شدد
 که ملت حقوق خود را در بایسته و در قطار ملل متمه
 بشمار آیند، بلکه علت الطل این همه تبدیلات در افکار
 همومیه ایران که باضاق تمام دانشمندان ظلم بر دور از
 این مرکز بودند همان شدت جور و اعتساف حکام
 مستبد و بی انصافی ملا باحاطی ابار دار بیروت
 بود که بالطبع ملت را بیدار نموده و يك جنبش
 زنجیر اسارت را پاره نموده و نایل به حریت آمدند،
 اعلیحضرت شهریاری را این مسئله که برخلاف میل
 شاهانه بود ناگوار آمده و خواستند بدستیاری امثال
 میرهائیم و حاجی میرزا حسن این اساس مقدس را
 برهم رند و تا درجه که در پایتخت از پیش برود
 در ادک مدتی حکام امین متدین قانون را منزل و
 امثال رحیم خان و شجاع نظام خان خون آشام را
 بجایشان نصب فرمودند، و پاره از علماء سوه را به آمان
 همدست نموده در حق جماعت احرار مشروطه خواه
 از قتل و سلب و حبس آنچه توانستند فرو نگذاشتند،
 این هم مودی آن شد که نتیجه کار واروه گشت
 بطوریکه نظر پاره ملاحظاتی که اعلیحضرت از نمایندگان

دولت انگلیس و روس قول گرفته بود که در باب
 تشبیه بعضی ما حمایت و مداخله نکرده و بخود راه
 ندهند این مأمورین خود بخوار تمدی را ماندازه رسانیدند
 که نمایندگان دول خارجا طاقت نیاورده از قول
 خویش منصرف و احرار بی تقصیر را در پناه خود
 جایدادند، از طرفی هم روزنامهجات و تمام اهالی اروپا
 زبان لمن و وطن گشوده و این ظلم و اعتساف را در
 اقطار جهان نشر و مرتکبین آن را دشمن نوع بشر
 و عدوی اکبر عالم انسانیت گفتند و نوشتند، این معنی
 اهالی آذربایجان را هم بر حسب حب نوع و ملت
 طاقت طاق نموده بعد از آنکه هزار حاه و باصد
 دکا کین جایده شده و جوی از اسوان بی سیرت گشته
 و هزاران نفوس بقتل رسید بهمام دفاع و مطالبه حقوق
 برآمدند، و از توپ و تفنگ پروا نکرده و از قتل و
 نهب اندیشه نمودند، تا اینکه مظلومیت خویش را بر همه
 نمایندگان دول ثبات کردید، بعد از آنکه این اخبار
 وحشت آثار بسمع مبارک حضرات حجج لا سلام نجف
 الاشرف رسید و وظیفه طرفداری حق و حقانیت آن
 قوای مقدسه را بر آن داشت که تلگرافاً حمایت دارال شورای
 ملی را به تمام افراد مسلمین از علماء و اهالی و ایلات
 و صاحبان مناسب از لشکری و کشوری واجب فرموده
 و شلیک بدان مقام مقدس ملی را منافی با دیانت
 اسلامی و اطاعت کسی را که کفر نقل مجلس حوهران
 بستهاد در حکم اطاعت بزید ابن معاویه محسوب داشتند
 بحکم اولیای دولت این تلگرافات توقیف شده و به
 حالی نرسید، تا اینکه عکس همین احکامات آقا یان
 زیارت شد و مشروطه طلبی از ارکان دینی قرار گرفت
 و جنگ با اضداد آر حکم جهاد در حضور امام و ایامت
 مسلم است که حضرت اقدس والا مسلمان و از
 طرف پادشاه اسلام تعیین شده اند و از تلگرافات
 سابق اعلیحضرت شهریاری مخور معلوم است که
 طرفدار شریعت و اسلام میباشند، شرارت رحیم خان
 و شجاع نظام البته برخلاف میل ملوکاه و اعمال و حنیانه
 ایشان هم بسمع مبارک رسیده است که بدستیاری
 مؤسین مجلس اسلامی چه آنتی در شهر افروخته اند،
 در این موقع که انقلاب خیل از بلاد و بلکه میتوان
 گفت در تمام ایران سیاری و جاری است، اگر والا

حضرت اقدس بخواهند تاج شرف و نیکنامی را در این شهر مایه شوند لارم است بقانون مشروطه قبل از ورود و حیم خان دزد و شجاع نظام خان را مغلولاً توقیف و سواران آنها را مرخص فرموده امنیت شهر و اطراف را که زاید بر باصد قره جایده شده است بدهند، همینکه اهالی این اقدامات عدالت پرورانه را از آن والا حضرت مشاهده نمودند عموم ملت جاناً و مالاً در اجراء ایام مقدس حاضر خواهند شد، اگر خطای نکرده حضرت والا نیز مشارکت با افکار مؤسسن مجلس اسلامی فرمایند مشکل است که این اهالی دست از مجاهدت که از احکام مذهبی ایشان است بردارند، اوقاتی که آن والا حضرت بسمت مأموریت آذربایجان منتخب گردیدند، بجز در این شرایط مشروطه بود و نه ملت ایران را - این حفاظت خویش حاصل زهی تصدیق است (عموم ملت)

بعد از ورود حضرت اشرف والا بیخ صاحب دیوان حضرت مستطاب آقای ثقة الاسلام محض اصلاح ذات الین دو مرتبه با حضور حزب حلاله اب اجل آقای رشید الملك و آقای قاسم قزوینی و جمعی از معارف مجلس نموده در اصلاح امور شهرت ما کرده و نیت حسنة حضرت والا شاهزاده را بجا آورده، و چنین صلاح دانستند که چند نفر از اهالی محلات شرفیاب حضور حضرت اشرف والا شده مستدعیات ملت را معروض داشته و فرمایشات حضرت والا را ابلاغ به ملت نمایند، بعد از اطمینان از حسن نیت والا حضرت ده نفر از طبقه سادات و علما و تجار و معارف شهر تعیین شده روز جمعه با معیت جناب رشید الملك و اقبال لشکر به باغ صاحب دیوان رفتند، حضرت والا بعد از احوال پرسش حاضرین یکی یکی معرفی شده، فرمودند این اشخاص که یازده نفر نیستند بلکه نایبند یازده محله باشند، یکی از حضار عرض کرد اینها از طرف مات و کالت ندارد محض تبریکات صمیمی ورود حضرت والا شرفیاب شده اند و در ضمن مستدعیات و تکلیفات ملت را معروض خواهند داشت، حضرت والا شرحی از نیات مقدسه اعلی حضرت مایوزی در حق اهالی آذربایجان فرموده اظهار داشتند که مقصود من در این سن بیری کفالت و مسئولیت این امر بزرگ را بگردن

گرفته ام نه برای ازدیاد مناصب است و نه برای جلب منافع، بلکه میخواهم نیک نامی و شرف جاوهانی برای خود تحصیل نمایم، حضار مجلس بعد از استماع فرمایشات ملاحظت آمیز هر یکی بقدر خویش تشکرات صدیقه خود را نسبت بمراحم اعلی حضرت مایوزی و والا حضرت اقدس نمودند

جناب آقا میرزا سید حسین خان که یکی از متعینین بود اظهار داشتند، اگر مقصود از این شرفیاب اظهار قدمات است این هنر در فطرت ایرانی سرشته شده است و هر کس بخوبی میداند، اگر مقصود مستدعیات ملت است مقرر دارند تا بسادگی بدو وقت تعلق و مداخنه عرض شود، حضرت اشرف والا از این اظهار خوشوقت شده فرمودند دو چیز ایران را خراب کرده است یکی تعلق و دیگری خود فرضی، البته ساده گفتن بهتر است آقا میرزا سید حسین خان - این اهالی دو استند دارند یکی عمومی است و دیگر خصوصی، آنکه عمومی است تشکیل دارالشورا و اجرای مشروطه است اما مطالبات خصوصی بسیار است

حضرت والا در جواب - مؤل اولی فرمودند بموجب دستخط جهان مطامع اعلی حضرت شهریاروی بعد از سه ماه از تاریخ انفصال و کلا انتخاب جدید خواهد شد

ولی در خصوص تکالیف خصوصی البته مقصود از آمدن من رفع ظلم و جنگ خانگی است

آقا میرزا سید حسین خان - ملت از حضرت والا - مؤل - نباید و حضرت والا را شخص بی طرفه میداند این توپ و تفنگ ها که از محله (شهربان) بسوی ما اهالی تبریزی اندازند و این همه تپ و تفل و غارت که میکنند با سر کبست ؟ و آمر آن چه کسی است ؟ حضرت والا - من از این اقدامات مأمورین دولت مسئول نیستم و خبر ندارم، من اگر این وضع شهر را میدانستم يك ساعت زود تر وارد این شهر میشدم، بعد فرمودند، بعد از ورود من مسئله قتل محمد اهرابی چه بود ؟

یکی از حضار عرض کرد عهد علاوه بر تصریحات سابق حکم علای نجف را نوهین کرده پاره نموده بود، اهالی محله جمع شده مجزای می رسانیدند، لیکن اگر با

بخواهم در قتل افراد محبت با هم بجزئیات مانجر خواهد شد و از این قبیل که طرف مقابل مرتکب شده اند زیاد است

حضرت اشرف والا قدری از وکلا شکایت کردند که همه آنها بجز سه چهار نفر همه رشوه خوار بودند اگر روزنامه مجلس را باز کنید خواهید دید یکی را که امروز هزار خطبات تمییب کرده اند در نمره آنیه حمایت او را نموده اند

آقا میرزا سید حسین خان - در این که وکلای دوره اول دارای هر قسم معایب بودند شکی نیست و این قصور ملت نیست

چرا که در عهد شاه شهید که ایران از هرجهت آسوده بود مدارس جدید باز نکرده اند که اهالی وکلای صحیح انخاب نمایند ، احکام حضرات حجج الاسلام نجف الاشرف در و جوب حمایت مشروطیت مطرح مذاکره شد .

حضرت والا فرمودند ، که ابداً ما محتاج تصدیق علمای نجف نیستیم ، حقیقت مذهب اسلام مشروطه است آقا میرزا سید حسین خان - با وجود این از حضرت والا انصاف میخواهم در این دوره سلطنت قاجاریه کدام یک از اولیای دولت و حکام خاوند اسلام حرکت کرده اند .

بعد حضرت والا فرمودند ، من همیشه هم خود را بر این مصروف داشته بودم که موافق قانون شرع این مملکت را اداره نمایم ، ولی چه فائده . . .

قدری از جهالت و بی ادبی بعضی ها صحبت فرمودند ، جواباً عرض شد اگر داماییم ما را بشکافتد جز محبت پادشاه و سلسله قاجاریه چیزی نخواهند یافت ، ما میخواهیم پادشاه ما چون میکادو و لشکر ما منظم و کشور ما آباد گردد ، آئینیکه با ما معاندت میکنند چه قصدی دارند ؟

حضرت والا بعد از تصدیق فرمودند البته من آن وقت می توانم افتخار نمایم که بسهوات نجیب دو بیست هزار لشکر نمایم ، نه اینکه قادر به تجهیزده هزارنشوم .

خلاصه مقصود حضرت اشرف این بود که اهالی را مطمئن نماید که بدون خوف بحضور من بیایند و نظایات خود را بکنند ، قله مشروطه تا به تمام اجرا

گذاشته نشده است حاصل ندارد و بعد از آنکه نزاع داخلی مرتفع شد البته با تأسیس دیوانخانه عدلیه مکمل و از روی بصفت و حقیقت بدطایر طرفین رسیدگی خواهد شد

بعد از این قدری هم علائحه صحبت فرمودند مجلس ختم شد و آقایان مراجعت فرموده فرمایشات حضرت والا را در انجمن مقدس ایالتی به ملت رسانیدند ، از طرف ملت اظهار شد که از مذاکرات مجلس نتیجه مطلوبه حاصل نشده است ، قرار شد که مستدعیات ملت را به شکل لایحه مخصوصی نوشته و بحضور حضرت والا بفرستند ، پس لایحه را نوشته و بتوسط جنابان آقای اجلال الملک و آقای سید حسن شریف زاده فرستادند

این است لایحه مذکوره که صورتی از آن (بهریک از جنرال قونسولها و نمایندگان)

(وسی دول خارجه مقیمین تبریز نیز)

(فرستاده شد)

بشرف عرض حضورندگان حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده هین الدوله دامت شوکت العالمی ، اولاً بندگان حضرت اقدس والا که بحکم دولت جاوید آیت مأمور ایالت حله آذربایجان شده اند چنانکه کراراً بمرض حضور مبارک رسانیده ایم ، در صورتیکه مأمور یک مملکتی مثل آذربایجان رافع لوای عدل و انصاف و دافع ظلم و اعتساف بوده آسایش ملت را که ودایع خداوندی و اولاد روحانی سلطان هستند در نظر مبارک داشته باشند البته موکب مسعود وی را با نهایت توقیر خواهند پذیرفت ،

نایباً با بان مقلظه و بناموس اسانت میتوانم قسم یاد نمایم مادامیکه اهلحضرت شهر یاری خلافت ملکه رعیت خود را در تحت همان قانون مشروطه که منببول تمامی دول و ملل متدنه میباشد نگهداری فرمایند شاه برستی و دولتخواهی ملت غیور تبریز تا اقراض ظلم عمو و مهجور نخواهد شد

چنانکه نصت بیکران مشروطیت را اعطا و بموجب قوانین اساسی که اهلحضرت هابونی خلافت ملکه در تاریخ ۱۴ ذی قعدت الحرام ۱۳۲۴ و ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ با

﴿ جواب لایحه ﴾

(فوق از طرف حضرت والا شاهزاده
 عینالدوله بانجمن مقدس ایالتی آذربایجان)
 انجمن ایالتی آذربایجان

شرفی صکه بانجمن اظهار داشته بودید بتوسط جناب مستطاب آقا سید حسن شریف زاده سلمه الله تعالی رسید، و از اظهارات شاه مطاع شدم، چون لازم بود مطالب مندرجه عرض خاکبای جواهر آسایه شدگان اعلیحضرت قدر قدرت هابون شاهنشاهی ارواحنا فدا هم برسد این است که مضمون مشروحه را تلکرافاً برض آستان مبارک میرسانم، و هر جوابی که رسید اطلاع خواهم داد، و همین قدر میگویم که بندگانت اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فدا بشر عدل و مرحمت در باره هموم رعایا را از وظایف لازمه مأموریت من فرموده و امیدوارم آنچه شاید و باید بر احقاق حق و حفظ حقوق عامه از جانب این جانب هم قسم مساعدت بشود

۲۰ رجب ۱۳۲۶

جواب حضرت والا در انجمن مقدس بطوری که جم فقیر از ملت حاضر بود و همه روزه از صبح تا شام در حوالی و پشت نامهای آنجا میباشد، قرائت شد، بعد از بی ساعت لایحه از طرف هموم ملت بانجمن مقدس رسید صکه استنداً بیکرود عین آرا بعد از ملاحظه محضرت والا عینالدوله فرستند.

لذا از طرف انجمن مقدس مکتوب ذیل را بمحضرت والا نوشته و لایحه ملت را هم جوف پاکت فرستاد

حضور بندگانت حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده عینالدوله دامت شوکتہ العالی، دستخطی که در جواب مشروحه رسمی انجمن ایالتی مرفوم فرموده بودند بر حسب تکلیف در محضر تمام قرائت شده، نایباً از طرف هموم ملت لایحه بانجمن ایالتی نوشته و سریناً طلب جواب نموده اند، عین لایحه علیه راساً تقدیم

عنه شاهانه محضی و موشح فرموده اند، دولت ایران صاحب کنستیتسیون و دارای قانون اساسی است و بر ابقی مواد همان قانون اساسی ملت ایزان هموماً و اهالی آذربایجان خصوصاً حقوق خود را در فصول آتیه از پدر تاجدار خود چشم داشت دارند، و هیچوجه با سلطان خویش عصیان نورزیده و حقوق سلطنت را مطابق اصول ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی در عهده مابت و تبعیت خود شالخته و مقام عالی سلطنت را مقدس میدانند.

ثانیاً بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی شخص اعلیحضرت از مسئولیت مبری است، لیکن بموجب همان اصل ۴۴ و اصول ۴۵ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۴ هیئت وزرا که ادارات مشنگگاه دولت سپرده آنها است مسئول مجلسین میباشد، و اکنون اعلیحضرت شهریاری مجلس شورای ملی را تصیل فرموده اند، امور مملکت از طرف اشخاص غیر مسئول اداره میشود، بنا بر این ملت آذربایجان المقاد دارالشورای کبری واجراسییه قانون اساسی را از پیشگاه هابون درخواست مینمایند. رابعاً رحیم خان و شجاع نظام و سایر مأمورین نظامی که از طرف ادارات غیرمسئول در تبرز اقدامات کرده و میکنند بحکم دوات آنها را توقیف فرمایند تا جزای ارتکابات خائنه آنها موافق قانون مشروطیت از دیوان عدالت عظمی داده شود.

خاصاً - اشخاصی که بدون ثبوت تقصیر و اجرای محاکمه تبسید شده اند مقرر شود که آنها را بوطن مألوف خودشان عودت داده بعد از محاکمه و ثبوت تقصیر مجازات خود رسیده و موجب عبرت خائنین گردد.

سادساً - مادامیکه مجلس شورای ملی افتتاح نگردیده و ادارات قانونی در تحت وزارتخانه های مسئول قرار نگرفته است ملت نزع سلاح نخواهد نمود، و تا افتتاح مجلس شورای کبری باید امور مملکتی آذربایجان در تحت نظارت و دقت انجمن ایالتی باشد که از موسسات قانونی است، اشخاصیکه طرف اعتماد ملت هستند برای محافظه جانب و مال و شرف ملت در تبرز مصدر خدمت باشند.

ایضا (انجمن ایالتی)

نموده و مستندی مستقیم که پس از ملاحظه جواب شافی مرقوم و مرحمت فرمائید تا اعضاء انجمن هدف مسئولیت نشوند ، (الامر الاشرف مطاع)
امضا انجمن ایالتی

سواد لایحه ملت

حضور مبارک حضرات مستطاب اعضاء انجمن مقدس ایالتی دامت تأییداتهم .

دستخط بندگان حضرت اقدس والا شاهزاده عین الدوله دامت شوکتہ العالی را که در جواب مشروحه انجمن ایالتی و مستدعیات مات مرقوم فرموده بودند قرائت نموده، این است مجدداً عرض و اختصاراً بتوسط آن باینندگان محترم ملت اتهام حجت مینمایم، برطبق مواد قانون اساسی جوانی که بندگان والا مرقوم فرموده اند صحیح است باید باحاط بندگان اعلی حضرت شهرتاری رسانیده و تحصیل جواب فرمائید، لکن در خاتمه تعلقه مرقوم فرموده اند (همینقدر میگویم و مینویسم که بندگان اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنا فداء نشر عدل و مرحمت دربارہ عموم رعایا را از وظایف لازمه مأموریت من فرموده، و امیدوارم آنچه شاید و باید بر احقاق حق و حفظ حقوق عامه از جانب اینجانب هم قسم مساعدت شود ۲۵ رجب (۱۳۲۶) آیا این نشر عدل و حکمگذاری صورت خارجی و رعایت میخواند که ملت فلان کرده امیدوار به رأفت ملوکه و مأموریت عادلانه حضرت اقدس والا بشوند؟ یا اینکه مثل تشبیهات دیرین مالش غنات بر زیر سرملت نهاده، و با کمال استعداد پرداختن است، صریحاً اظهار می نماید و با این مشروحه آخری اتهام حجت میکنیم که هرگاه این فرموده های کتبی حضرت اقدس والا از روی صدق است امروز تا عصر رحیم خان و شجاع نظام را که بموجب خط و مهر و تصدیق سرکار اشرف والا شاهزاده مقتدرالدوله متصرف هستند توقیف فرموده و در تحت نظارت انجمن ایالتی متدرجاً باسترداد اموال منوبه رعایا پردازند، و حوضه مفتیة اسلامیة را مقرر فرموده حضرات مفسدین را به تحت توقیف در آورند، تا ملت امیدوار گشته و مقدم آنحضرت والا را بر دیده گذارند والا چنانچه تا عصر

اثری از نشر عدالت ملوکه ظلمت نشود عموم مات از صغیر و حکمیر بموجب احکام مقدسه حضرات حجج الاسلام بحضرت الاشرف بتکلیف خود عمل خواهند نمود، این مشروحه ملی را برض حضور حضرت اقدس والا رسانیده و تا عصر تحصیل جواب فرمائید، والسلام علی من اتبع الهدی .

ناله ملت منطبقه تبریز

دولتیان و لشکریان را تنبیه است

ای فدویان دولت و حماقت قوشون اسلام و سواره و پیاده و توپچی و صاحب منصبان و وظیفه حواریان که چندین سال است از کد بین نجر و کسبه و رعایای ملت ایران تعیش نموده گوشت و استخوان پروریده و خودتان را لشکر اسلامی و حامی دین نام نهاده اید، در حالیکه تمام امیدواری مات بسوی جهادت شما بوده که در حین شداید و بلافا رفع ظلم از ایشان نموده از دشمن داخلی و خارجی محفوظ نمائید، بدبختانه می بینیم که در آخر مسئله (جو دیدم ماقبت گرمگنو بودی) شد، بدون مقدمه شما را قسم میدهم، بدین و آیین خودتان آیا راضی میشوید که بعضی از قسولها و باینندگان خارجه حتی ملت آرامنه تظلمیت ما رحم نموده آنچه قدرت دارند در امنیت خان و مال و حفظ ناموس و استرداد حقوق مان همراهی نمایند، ولی شما که اسم خود را مسلمان گذاشته و لا اله الا الله میگوئید مگر یک نفر شخص خونخوار بجه خودتان را با خون ملت خون آلود کرده، حقوق ملت را پایمال کنید؟ آیا احکام و فتاوی علمای بحج و مجتهدین که جا نشینان ختم رسل هستند زیر پا گذاشته و روی امام زمان طاق شده بقتل و قارت مسلمین بیگناه اقدام میکنند، و عرض و ناموس مسلمانان و شیعیان علی ابن ابی طالب (ع) صدمه میزنند؟ مگر از غضب خدا و آه مظلومان اک ندارد؟ مگر بجان خودتان رحم نمی نایید؟ مگر می داید که نوحه باطنی اسلام و صاحب شریعت بسوی ملت و مظلومین است؟ مگر ندیدید که ملت از کشته سواران و ظلمان و خائنان چگونه تلها ساخته و بخوشتان آفشتند؟ تمام قوای دولت و علمای بول پرست بیک جا جمع شده و نتوانستند با ملت فقیر مظلوم مساوت

بایند، عاقبت تکلی مضمحل شدند، خوبست شمام بحان خود در جمعه بوده و از عذاب خدا ترسیده بقصد مسلمانان که نه ننید - این ملت که مشروطه میخواهد برای حفظ حقوق عموم است که احدی بحدوق احدی تجاوز نماید، يك دينار مواجب سرباز و سوار باج سیدل فلان امیر و همان وزیر نمکرده، اگر شما نمی دانید ما میدانیم که چه ظلمها در حق ما و شما گردیده چندانکه نزدیک است مملکت اسلامی بپال و دولت تشیع منقرض گردد مگر احکام مقدس عالمی بحرف را ندیده اید که مشروطه و مجلس شورا را واجب، و ضد مشروطه را کافر حربی فرموده اند؟ ایشان هم دلشان بحال من و شما میسوزد، شما چرا باید از خواب غفلت بیدار و از مستی هشیار بشوید و سعادت خودتان را نخواستید، خود تیشه بر ریشه خود بزنید، ما آنچه صلاح شماست گفت و سه مرتبه حجت را تمام کردیم بعد شما مبدایید و ملتقم حقیقی

حجت تعاونوا بالبر والتقوی

سواران رشید و سربازان غیور وطن هیچ میدانید که امروز وطن عزیز ما چه حال بدی دارد، هیچ خیال نمیکنید که ابناء وطن ما بچه بایه گرفتاراند، سالها بوده که در زیر فشار استبداد و ظلم روزگار بسرورده و با بد و بیك کاری داشته تا اینکه کارد استخوان رسید و جامه صبر چاک شد، یکمرتبه بیا خواسته از دولت خواستار عدالت آمدند، شاه مظلور مظفرالدین شاه نیز مظلومین ملت را دیده بدون فشار حقوق ایشانرا بخود واگذار فرمودند، امضای مشروطه و مجلس شورای ملی را دادند تا اینکه در این زمان آخر خاتین دولت و ملت کار خود را کرده شاه را وادار نمودند، مجلس ملی و مسجد سپهسالار را که خانه خداست بتوپ بستند، و این لوله و آشوب را در همه نقاط ایران ادا کردند اندهر ما ملت آذربایجان دعوی حقوق داریم و آنها را که دولت و ملت خود عطا نموده و قرآن مجید را هم در دیواره حکم قرار داده و چندین بار قسم یاد کرده که ما ملت خیانت نکنند، از دولت میخواهیم که یکی از آرزوهای حقوق و حیره و مواجب و معاش و خوش گذران شماست که شب و روز در گرمای تابستان و سرمای زمستان در کوه و بیابان دور از وطن

مألف خودتان سر میبرید، نه حیره کافی دارید نه ملبوس بایزه اگر چند دیناری مواجب هم دارید آن هم نیول و مقرری گردن کلفتها گردیده، حال چه شده با ملت که درباره شما و استراحت اهل و عیال شما این قدر جان فشانی نمایند بمقام معارضه آمده و خیال جنگ دارید؟ آخر شما هم مثل ما شریک این آب و خاک هستید، اتفاق نائید، اتحاد کنید، بیاید دست بدست هم داده حقوق مقصوبه خودمان را از چنگال دولتیان بی انصاف در آوریم، هم شما آسوده خدمتگذاری مشغول شوید و هم ما هاضمی چند اشرف و سه دت کشیده همری سر رسم، هیچ ملاحظه نمیکنید چرا شماها که هر يك چهل و پنجاه اقلای سی سال دارید هیچ يك دارای هزار تومان نشده بلکه دارای او را رشت و کار و یکجفت کاو نیستید، اما این خائین وطن که عبارت از فلان لوله و همان السلطه است در مدت قلیل صاحب چند کرور دولت شده، آخر ایها همه از بهلوی من و شما است، همه حقوق ما را فروخته و این را ابدوخته اند، ما عرض اینکه حجت را تمام بیایم و فردا در روز جزا جواب شما بدهایم که نگویید بمانگفتند نوشته اند این ورقه را دیگر باره انتشار دادیم، و صراحتاً میگویم در انتموقع که جوی از مسلمانان کافر کیش رضد احکام علماء بحرف برخواستند و حمعی را نیز از اعیان و اسرا و صاحب منصبان با خود همراه کرده اند صلاح شما در این است که يك يك دو دو بخانه های خود مراجعت نائید، و این کفار و زمره شیاطین را به ملت واگذارید، که اگر بیست هزار استعداد نیز فراهم آرند در منازل قشون ملی که اکثر آن از علما و سادات و سایر طبقات است محو و نابود خواهد شد

رادران عزیز - دیده هرت باز کنید، و از قشون عثمانی سرمشق بگیرید، و بیلید چه طور در ترقی وطن مقدس خود جافشانی وجه سان طرف ملت را گرفته و ما دولتیان بچه آرمودند، گویا هنوز از مکر و حیله این روانه صفتان که شما را آلت احری مقاصد خود شان قرار داده اند مسبق شده اید، که بچه زبان شما را فریب داده و بدم گلوله مجاهدین میدهند؟ آیا هنوز بدانستاید که چه قدر سواره و پیاده در عرض این چند روزه بکشتن دادند هان درست متوجه باشید که

اگر لشکر سلم و تور به آذربایجان فرستند یکی از ایشان خلاص نخواهد شد، چه که دست خدا با این طبقه یار بوده و سزای از احیاء شریعت و حفظ دین اسلام و حمل به فتوای علما و صحیح الاسلام نجف الاشرف ادام الله ظلالهم مقصود و منظوری ندادند، و تا جان دارند در راه مشروطیت که مایه ترقی مسلمانان است سعی و کوشش خواهند نمود - والسلام علی من اتبع الهدی

﴿ ایضاً ﴾

(اگر بنی که نابینا و چاه است)

(اگر خاموش بنشیند گناه است)

هر فردی از افراد مسلمین لازم است که کسی را که از شاهراه هدایت دور و قدم بر جاده ضلالت و همی نهاده تا بتواند او را از مقصد خود آگاه نموده و راه از جهش نشان دهد تا فردا پیش وجدان خود شرمند و در نزد حضرت واجب الوجود سرافکنده نگردد .

حال که سواران نظامی برادران دینی و وطنی ما دو چار خدعه و دسیسه متفق از عالم نیایف جاهل سر برت و آدم مقنن گرگ سیرت که تمامی هم نشان در نور دیدن بساط عدل و انصاف و نشیید ارکان ظلم و اعتساف مصروف . و خیالاتشان همه در پاشیدن تخم فاق و برکندن ریشه مودت و وفاق مسلمین معطوف، و مطیع فرمان جمعی از وحشیان آدمی خوار و سیاح مسلم شکار هستند که خود را بدوات خواهی مشهور ساخته، ملت که ودایع ابردی و رعایت آنها عات قان دولت و مالکداری است قتل و اعدامشان را بنام خدمت دولت چون نماز و روزه از فرایض فمه خود بپهارند و روز بروز و سایل اقراض و اسباب هلاکت دولت و ملت را فراهم آورده و بر انفصال شنبه خود فخرها کرده امتیازها میبخواهند بدانند در این موقع باریک که وطن عزیز در ورطه اقراض و مذهب و شریعت از سوء تدبیر جلد تن هفسد و مفرض هوا پرست که خود را در زوی صلحاء آراسته اند در شرف اضمحلال است، ایشانرا بجه کاری و میدارند. آیا ایشانرا بحفظ ناموس اسلامیان و حراست محور و حدود مملکت اسلام که اولین وظیفه آن برادران عزیز است دعوت نموده اند نه والله . و یا بدقاع و

حرب مال احفیه و اقوام خارجه احضار فرموده اند ؟ نه والله . و با مباشرین این امر خطیر را در خاطر مظلم مقصودی دیگر مکتون ، و نقشه جز این مرتسم است ؟ اگر چه خود آن برادران غیور که سپر بلای ملت مظلومه ایرانیه و مایه دل گرمی مسلمین ایران زمین هستند به اندک توجهی خواهند دریافت که آنان را با هجم کدما مأموریت که نازلترین مرتبه آن مخالفت با احکام مقدسه صحیح الاسلام عنیات است و ا دار و اقدام بجه خطیبه لایق فرج مجبور نموده و در آخرم بجه بلینه عظمی گرفتار خواهند نمود . لکن امام من باب اینکه در حضرت خداوند این ورقه را حجت نگیریم و در معرض ل آفریدگار زربار مسئولیت باشیم نتیجه افکار این چند نفر دشمنان دین حنیف اسلام و وحامت امر را بر آنها می آگاهانیم

آری برادران نظامی ما از سوار و سرباز و نویسی و سایر طبقات - نظام این بدمخندان تیه کار و این حیانتکاران بدمال که در غس الامر مجز ارجند تن دشمنان دین و دولت پیش بیستندشهارا آلت اجرای مقاسد مشومه خود قرار داده ، و بجه بخور ملت مظلومیکه از هر حیثیت با شما هم رنگ و در دین و مذهب و کلمه توحید و در پرستش این آب و خاک ما شما شریک و سهیمند می آلابند . منظوری از این همه دسایس و حیل و فسق و شیطنت و ارتکاب قتل و جنحه ندارند ، جز اینکه بساط معدنی که از دو سال بان طرف در ایران کم کم گسترده و حقوق ملی افراد رعایا را عالی و دای بطریق مساوات محفوظ میبشد بکلی محو و نابود شود .

به یگانه بی انیاز سوگند ، که این هیئت اجنبیه که در هر نقطه ایران بعد از کلمه طیبه لا اله الا الله بان واحد قائل کلمه مقدسه مشروطه و قانون الهی هستند اولین مطلوبشان اخذ حقوق باز رفته شما که سالهای دراز است جزو مقرری و خرج جام باده خرغان ساده گردیده، و شما را از جیره و مواجب خود نصیبی جز از باسی و بهره جز از فحش و دشنام باید نگردیده، چنانکه سرمازان مال اندیش از بدایت امر این نکته را ملتفت شدند که مشروطه خواهان در استرداد حقوق سوار و افواج نظامی سی ما نموده و بجهها خواهند کرده، و جیره و مواجب آنها را بدون کسر و قصان و

دستبرد شیاطین بلکه ریاده از کفاف بمحل خود خواهند رسانید. آن بود که در هر موقع که دولت میخواست در باره مشروطه طلبان اقدامی باید آشکارا قدم وایس نهاده و صریحاً عذر میخواستند. بلکه در مواردیکه بعضی تکالیف سخت مثل تکلیفهای امروزی شماها برادران عزیز بآنها میکردند اسامه را ریخته و سر از فرمان دولتیان بمرودت برمیخواستند. چون باصلی مطلب بر خوردار بودند. کسی نتوانست ایشان را گول بزند. شما هم ای برادران عزیز چشم و گوشتان باز کنید به بیلد تیشه را به کجای خود مزید. آنانیکه شما بدون حدت و خیال هدف گلوله شان میسازید بخدا قسم بیچاره ها در راه حقوق و آزادی شما بکشتن میروند و بحال شما مینالند و زخشان بروزگار شما خون میگریزد درست فکر نمایند و نیکو متوجه باشند که انشاء الله من بعد فریب این فرقه. تهرده را مخورید که احکام علماء اعلام نجف الاشرف خذله اعدائهم که خلاف آن بمنزله مخالفت امام عصر عجل الله فرجه است سهل انگاشته و در زیر پای محس خود پایمال نموده و صدمه بر شریعت اسلام وارد آوردند که تحمل آن فوق قوه بشری بود.

هان مشبار ناشید که این جلد نظام بیرحم خون آشام خال تنگی بجهت تاریخ شما و افتابان نهاده و نام یکی که در تورج و داستانها از شما باقی بود عمو نموده. هان بیدار ناشید و هوشیار که نامذهب اسلام بازی می توان نمود. و باغیرت و قهاریت ملت بجه می توان آزمود

• شاه داود از حیراتی افلوطه کوتی میکند •
در تاریخ عجم جهادی الاولی محمد علی میرزا که مجتبه انفصال مجلس مندرس از طهران خارج گردید جمیع بلاد ایران تلگرافی مطول که عنوان آن (راه نجات) و ابدواری ملت بود نمود. در آن تلگراف حرکات مجلسیان را سفی بجهت ریاست و برخی عرض وکالت طامری و حاضر بودن خود شخصاً از برای ادم در اصلاحات و شرحی در بجه مشروطیت بموجب اعلان که بدول داده بود اعلام و اشعار نمود

پس از انتشار این ورته مسیبه و بروز میجان در غلوط عامه و خامه قانین و رؤساء حقه از هر جانب

تلگرافات رسماً باو نموده و متذکر بقانون اساسیش کرده و علماء اعلام از هر بلد بضوای او را از حرکات شنبه منع نمودند. جوابی با نهایت خضوع و خشوع شخصاً بسلام داد و آنها را به بی اطلاعی مخاطب نمود. و ضمناً نبات قدم خود را در عمل تا مشروع اظهار کرد پس از انفصال مجلس مندرس و ریختن خونهای عدالت خواه و استقرار او بر تخت افعال ما یثانی. یک برده چون زحمت منظره فباین خود و مات حایل کرد. و محرم حرم خود را وزیر اعظم مقرر و امر کرد که بجات از عود استبداد و انفصال مجلس خبر داده و حکام را ر جلوگیری متدینین تأکید و توصیه نمود مات را رعیت و مجلسیان که در تلگراف اول فقط ریاست خواه بودند کافر و بانی مزدکی مخاطب نمود

پس از انتشار این اخبار و ریختن آنها از کاسه در تاریخ ۲۷ ج ۱ باز از پس برده روی سیاه خود را سخت گرفته و صدای خویش را سست نموده خطاباً بوزیر اعظم مانند کسی که بدین مقال گویا است (ایس فی لدار غیرا دیار) کفاتی متکبرانه و اظهاراتی بحموله و تصدیقاتی کاذبانه القاء و اساس ملک داری و اسباب محاسکت گذاری و آسایش و امنیت عباد و تأمین طرق و شوارع و ترقی ثروت ملت را حیماً موقوف بایجاد یک عدالت خانه موهومی و رسانیدن مستمری ارباب و وظائف دانست (که اعضای آنها وزیر اعظم و لیاکوف روسی و شاپشال یهودی و صلیح حضرت و مجل و مقتدر نظام و شیخ فضل الله و امثال آن باشد) پس از حرکت و جنبش اهالی آذربایجان و مقابله با آنها گامی حکم یرش و قتل عام و پنهان و زمانی حکم باصلاح و صفا داده از شکست بی در پی و اظهارات سفرا بروس و انگلیس در انعقاد پارلمان تلگرافی برای افتتاح پارلمان بقانون معین در ۹۹ شوال انتشار داد. که شروط و تیودش ملخصاً حکومت مطانه باشد با اینکه آحاد و افراد ملت راضی از وضع پارلمان جدید نبودند و در تیریز سلب اقتدار خود را بخوبی مشاهده نمود و احکام صحیح اسلامی را در تکفیر خویش می بیند در هر جا منتشر و مردم با هزار استغاثه محبوب خود را که قانون اساسی است می طلبند. و خود اعلان انتخاب جدید در ممالک ایران داده نازدهمی

برداشته عناون و مضبوطه ها جعل ~~صکرده~~ که ملت مشروطه نمی خواهد و چه و چه

البته ارباب بصیر کلیتاً از اغلوطة این جوان مصروع واقف گشته بتکالیف فعلی در پیروی از احکام حضرات آیات الله خواهند پرداخت

واقفاً خلیلی بر روی می خواهد که قرآن مجید را آتش زده مسجد خدا را حراب و اسطبل اسبهای کفار نموده علماء دین بین را باغل و زنجیر با کال ذلت و خواری در بدر کرده ، هزارها مردمان بی گناه را هدف گلوله ساخته ، مرض و ناموس و اموال مسلمین را بید اختیار ایساکوف روسی داده ، از خود را در سلك مجاهدین دین و مشید مذهب و آئین دایسته بر نواب امام هم میخواند امر را مشتبه باید

عجبا این چه دین جدیدی است که در هیچ کتب ادیان باطله هم یافت نمی شود؟ آیا این دین مزدک است یا فرقه که ادعای حقوق می کنند؟ قانون اساسی که با مضاه و همه علماء حقه و بدر و خودش رسیده وضع مشاهدت می ندارد ، خلیلی جعل و اسکا ذیب است با اینکه بتازگی در بلك سمت اصفهان نزدیکی شهر ۴۰۰ قاطر با بار می برند که کسی گردش را می بیند و همه حقه پستهای ایاب و ذهاب درخانه سارقین نازل می شود و هموم تجار از خرابی مملکت و کساد تجارت و نا امنی طرق و شوارع فریادها می زنند ، باز مملکت را در کمال انتظام و هموم ملت را در نهایت راحت و بارسال عریاض تشکر افترا بملت بسته اسمی هم از واقعه تبریزی آورد

از بدو افتتاح مجلس شورای ملی قبل از بوم انفصال او حجج اسلامیه هرق تلگرافات بی درپی بر وجوب عین همین مجلس و سفارشات لازمه بر تأیید مشروطیت یاو کرده و از بعد از انفصال همه روزه آقایان ، و صوف انرجار قای خودشان را از واقعه حادثه و توصیه های مفصل بر اقدام جبران کشور باو فرموده باز اغلوطة نموده و می گوید ، می توانستیم از استنفانات حجج اسلامیه تفاقل و رزیم و همراهی با آنها کلبیم

ای بدبخت از خدا بی خبر ، استفانۀ کدام حجج اسلامیه بوده ، شیخ فضل الله ، یا شیخ محمد آملی ، یا سید کاظم یزدی ، صافه و بی پرده گفته می شود که امروزه

حجج اسلامیه ما همین آقایان ثلاثه و متابین آنها و هر طلی که دفع ظلم را از واجبات اقلاب بد اند بوده و می باشد ، هر کفش بان و عسرداری و ضرب بضرپ دانی را پیشوا و مقتدای خود نخواهیم دانست

واقفاً خلیلی خنک است وقتی انسان کسریف از خود و وابستگی خود نباید ، خوب بود جناب وزیر اعظم مقدس دین دار هم تلگرافی مبنی بر تدین ولی نعمت خود به نباید تا خنک اندر خنک گردد

افسوس که هنوز قوه محاکمه با این جوان مصروع بقدر تنهای عقلا حاصل نشده که از او در محکمه عدلیه فقط تشخیص ترویج شرع و تعظیم شعائر و و حکم خودش ادما نموده خواسته شود ، لیکن دبری نخواهد باید که آن روز انشاء الله دیده خواهد شد

حقیقتاً چه بسیار وقیح و قبیح است از برای شخص مرتدی که متصل در گلات خودش را مقدس خطاب کند ، تقدیس و تزیه شایسته مردمان متدین عدالت خواه منصف است ، قاتل مسامین و مخرب دین و دشمن عدالت و آئین را چه رابطه به تقدیس و تعظیم است

با این ~~صکرت~~ هوا بر سق و شدت بی دین و خونخواری و شیوع ظلم و جور و کرای حکم تکفیر باز خود را دیندار قلم داده و قسم یاد می نماید

چه قدر بدبخت سفیه و نادان است که هر مصدر امر را از فضل الهی می شمارد و سلطنت مقصوده خود را از اعطاء خداوندی محسوب مینماید ، اگر کسی این امر را کلیتاً ~~صه~~ نهد باید سلطنت بزید و امثال آرا هم برحق و از اعطاء خداوندی داد

چه قدر گونه نظر است که ترقی و استقلال ایران را هم با این اراجیف گونی می خواهد تحصیل کند و ترقی بلك مملکت عظیم را با انسداد باب معارف و سرکوبی صاحبان آراء قومی و افکار مستقیمه ، ترصد است بدبخت خودش نمی داند چه اراده دارد ، اسباب انقراض و اضمحلال بلك ملت مجیب را فراهم آورده خود را محیی ملت می شمارد ، هجرت تر این است که با کمال بی حیائی توجه خود را بسوی امام زمان جلوه میدهد ، و حال آنکه این حرکات بخوبی ثابت میگردد که بلبدا اعتقادی بوجود حضرت قائم عجل الله فرجه

ندارد، چه خواسته به ظهورش

اگر کسی مدقت نظری به تلکرافات او میکند
 بی تأمل تصدیق با غلوطه گوئی او خواهد کرد.
 بکوت اهالی را به بقای مشروطیت و عدم انفصال آن
 اعلام می دارد، و یک زمان مستلزم جمیع امور
 مملکت یک عدالت خانه میداند، و یک موقع پارلمانی
 موافق مزاج مملکت واجب می یابد، و حال آنکه
 مانند آفتاب درخشند و میان است که بجز حکومت
 مطلقه و کیف ما بشائی هیچ نوع طالب نیست، یک جا
 اظهار همی حضور علماء اعلام می نماید، یکطرف استفاه
 دربار دولت عثمانی حقه الحراج صحیح میکند، هنگامی
 و عده افتتاح پارلمان در روز ۱۹ شوال به اهالی
 میدهد، و آذربایجان که آرزوی رده و از فشار آنها
 مجبور دادن این اعلان شده مستثنا میکند، زمانی
 می گذرد که افزایش بدعت بته تفرشانی از
 مشروطیت به صحیح بخاره میباشد، اگر جمیع این
 تلکرافات را بنظر خودش صف دهند هر قدر بی انصاف
 باشد تصدیق بر درهم گوئی خود خواهد کرد

ما هیچ وجه می توانیم تسلیم کنیم که عبارت این
 تلکرافات از خود محمدعلی میرزا یا وزیر اعظم اوست
 جمیع این تلیس ها و روزگار سیایشها و تعلیمات از طرف
 معلم او لیا کوف روسی و شیخ نوری است، زیرا که
 محمدعلی میرزا و اتباع او دارای این حسن اغلوطه گوئی
 هم نباشند، دربار و رئیس که جز قدمی هوا و هوس
 بر نداشته و شبانه روز جز تمام یحاری و پر خوری
 آموزشی نکرده چه رابطه با این گره رقصانی و حسیات
 تق بر مردمانی باد که تابع و مطیع جنبه طبقه ردل
 و پست هستند، و اف بر مردمانی باد که او را تأیید
 کرده بدر مهربان می خوانند (وسیع القین ظلموا
 ای منقلب بقلبون (ض)

نکارش يك از اویاب بصیرت

از اصفهان

از اوضاع کلونی ایران استفسار شده بود وضع
 ایران امروز طوریست که از اخبار مسموعه حکم بر
 حقیقت حال نتوان نمود، گذشته از آنکه منافذ اخبار
 و اطلاعات مسدود است، اخبار حرمان هم مقتضای

پلتیک اشخاصی منتشر است، چیزی که هست از رویه
 اعمال دولتیان میتوان خبری در آورد.

امروزه در ایران حواس دولتیان خصوصاً و ملتیان
 همماً بر سر حرکات تبریزیان جمع است، یکقدم پیشرفت
 تبریز حسارت و جرأت ملتیان را دو چندان مینماید
 همه گوشها و چشمها از دور و نزدیک منتظر شنیدن و
 دیدن اخبار و آناشوروش آذربایجان است، همین قدر میدانم
 این نایش خبرت و حجت که از ترکها ظاهر شده خیلی
 خاطر دولت را پریشان و از طرفی باعث امیدواری
 مجلسیان گشته است، اگر چه اخبارات تبریز حقیقتش بواسطه
 مراقبت مأمورین منتشر نمی شود، ولی چنانچه مرض
 شد انقلاباتیک در روش و حالت دولتیان دیده میشود
 حکم محضیت حال مینماید، در اواسط ماه گذشته جویش
 تبریز کار را بجائی رساند که در اصفهان منجمه کم کم
 زمزمه افتاد و در مجالس و مجامع جرأت بعضی مذاکرات
 پیدا شد و طامه باین قسم متفجر گردید که در بازار یکی
 از سربازان جدید الورود را که بحکم استبداد چندی
 بود ظلم و پیداد را پیشه کرده بودند، باسم مستحق سخت
 زدند و بمحوزه آقای تقة الاسلام کشانند، از طرف
 حکومت جماعتی باحضر محرکین و مرتکبین مأمور
 شدند، و بالأخره یکی از مرتکبین را که از روی نادانی
 در خوقاه اخیر تخریه گردان یک عمره بود تپید و
 مشهور است در بین راه طهران نامودش کرده اند، تا
 اینجا جرأت جدید الولاده اصفهانها بیشتر هر نکرد
 از آن طرف اخبار تبریز سست شد و سکوت نامی الآن
 در شهر تسلط دارد

پلتیک دولت را بعد از نهضت اخیر باید خوب
 ملتفت شده باشند که حواص استبداد را باسم جزای
 حقتناسی بولایات مأمور نموده و با زحمت زیاد استبدادی
 هم همراه کرده است، و همین خیال که در بادی نظر
 سائب و محکم بنظر می آید بالأخره مثنی بخراب و
 انهدام اساس استبداد گران بدست آورده دولتیان
 است، زیرا که هاتمم که مجلسیان و مشروطه خواهان
 در بدواص بملت حامی و عدم علم بمقتضیات بنیانی
 مشروطیت را بحسن تدابیر عملی محکم و مستحکم نمودند
 و ملت نادان تا رسیده را بطرف جبل زبربار سنگین
 راحت آزادی نیلوروند و بالأخره به روشنی و

خشونت آزادی فهان و حيله و تنوير مستبدین این سمت منقسم گرایها بدن وضع ناگوار از دست رفت، هانقسم هم هجه امروزی دولتیان و اولیاء امور در تمدی و حور و اعتساف و نادانی و طهای آنها و هرج و مرج مستبدانه خاطر ملت و عوام را که از مشروطیت داشت آزوده میشد دوباره بآن اساس راف و از روی فهم و ادراك طایل و حامی نموده است، در دوره مشروطیت اگر دوعشر ملت مایل بآن وضع سلطنت بود امروز دو نلث ملت بجان مایند

ملاحظه فرمائید ظلم و جور حکام علی الخصوص ایالت منظوره این شهر بکجا رسیده، که برخی آقایان که از هابیس مستبدین و گوهر شب چراغ ایشان بودند امروز مایل بمشروطیت و علایه اظهار بی میلی باین وضع و روجه دولت مینمایند، اگر از نقطه انصاف و مصلحت ملاحظه شود اقدامات دولت و قلع و قمع و انهدام و حرکات مستبدانه دولتیان بیک ملاحظه تمام مساعد و بجا و لازم بود، امروز مشروطه فهان ملت و مستبدان سابق از رکت سلوک ظالمانه جبارانه اولیاء امور همین قدر مانقت شده اند که در دوره مشروطیت اگر چه دردشان دروا نمیشد ولی باز میتوانستند اظهار درد کنند و علایه مظلومیت خویشی را ارار نمایند، ایتر باید یقین بدایم که حمایت ملت را اساس مشروطیت از روی فهم و دانش هجالتاً باید جنیدی مایوس بود، زیرا این نتیجه تربیت و دانش است و این دو اصل در ما نیست، پس مشروطه خواهی و آزادی دوستی این مات بقیر از آنکه از شدت ظلم و تعدی دولتیان تواید و تکوین باید هیچ علاج فوری ندارد، و الحمد لله در این انقلاب این نتیجه گرفته شده و میشود

دیگر از مقدمات که مرتب نتیجه مذکور است افشاش طرق و شوارع ایران است که الحق ما منی اطراف علی الخصوص جنوبی ایران از زمان مشروطیت خلیل بدتر وسعت تر است، اقدامات دولت هم در این مورد بکلی نتیجه برعکس بخشیده، یعنی سواریکه برای املیت اطراف همره حکام کرده اند خود از بینوایی دست دزدی و قارت همه جا دواز کرده، و ظلم و عدوان را در هیچ مورد فروگذار نکرده اند حتی بیازار اصفهان هم اظهار ارادت کردند، ولی از

جاب حکومت جلو گیری شد، مقصود آن است که حرکت سوار باطراف برعهده دزدان دوچندان افزود، در طرف جنوب پست دولت و اعلی العوام می برند گذشته از قواقل و مار نجارنی که بحساب از میان رفته از قرار نمونه فعلی سکه در دست دارم اوضاع درار طهران خلیل درهم و مفشوش است، یعنی طمع اولیاء امور امروز محد بلوغ است، و مثل آنکه اجل این عزت و اضمحلال این اساس را بین الیقین دیده اند میخواستند تا وقت باقی است تلافی ماضی و استقبال را بسعه تمام در آورند، بجزگی ماداره ایست که رشوه خوران نمره اول سابق سپر انداخته اند، در سابق اگر کار حلیات محرمانه بود امروز علنی است، رأی مسلط و اراده مستولی دربار اواده سنیه جادری است، معلوم است آموز کار ترک است، دسایس و تدابیری چند در تعویق و انصراف در اعلان انتخاب بکار برده از طرف راپورتهای بحضور میرساد این است که تا بر فلان اظهار و حوه ملت از مشروطیت بیزار و باعلان انتخاب رضی نیستند، جواهر استبداد هم که باطراف بزرج عدالت رفته اند تمام راپورتهای بهمین مضمون است که ملت تمام دل و جان مایل باستبداد و بری از مشروطیتند بشاده های روس نیز آنچه منبع حرارت و حرکت سراغ کرده اند راه انهدامش را بمصادر قدرت روزانه نشان می دهند، و لطف در آنجاست که کم کم نماینده انگلیس شورش طلب در انظار نمایندگان روس و اولیاء سرورته دوات ظل السلطان محسوب میشود، اصافاً هم پر خارج نخواهد اند، حرکات و اطوار بستگان او سرأ مورد مراقبه واقع است و بسجده تمام بستگان و هوا خواهان او را بهانه و دست آویز از مناصب معزول و بیکار میگدارند، فوج جلالی که اسمش از اسم جلال الدوله مأخوذ است بملاحظه سابقه خدمت ماداره مسعودی از اصفهان این دو روزه عبور حرکت است، و عملی مأموریت را فارس قرر داده اند، و فوج ملاز را که ما شناس اهالی و آن اداره است اقامت داده اند، مقصود آن است که در انزع قدرت او هنوز ساهی و مقدمند، اگر انقلاب زرگی که محققاً در پیش خواهیم داشت زود نرسد اقدامات مستبدانه تدرجا در مورد جزئیات نیز معمول

خواهد شد. دلیل صحیح دارم وقتی راههای مداخله
مختلفه برگزیده و بطور پیچیده شد يك راه وسیع طولانی
دیگری براسیے دخل حکام پیدا میشود و آن مهم
داشتن مردم است بمشروطه دوستی و دوستی و دوستی و
ولی چیزی که امید میآورد همان سلوك و احتیاط امراء
است که هر این طبیان را کوتاه کرده است. هر چه
فکر می کنم شالوده که در نخست در انهدام اساس
مشروطه ریخته شد عقبه اش باید خیلی محکم تر از این
و بهتر باشد آن نقشه نباید دنباله اش باین سستی باشد.
معلوم میشود نقاش آن نقشه اول بانظام السلطه زیر خاک
رفته است. یا این قسمت است یا آنکه استقامت تبریز جعبت
حواس را بریشان کرده است. در هر صورت اساس
امروز قریب الانهدام است

از جمله نتایج این انقلاب کاسته شدن قوای علماء و
رؤسای روحانی است. اکنون در تمام ایران حزب
روحانین حیل مخدولند و دولت از خود وسلطه ایشان
کاسته شده است. اگر چه عقیده بعضی دانشمندان است
که اگر همراهی و اقدام این جماعت نبود بدین نعمت
مشروطیت نائل نمیشدیم. ولی عقیده مخلص غیر این است
و داستان و تحقیقاتی دارم که بی برهان هم عرض نمی
کنم و در این موقع درجش باعث تطویل و از موضوع
عریضه خارج است

دو سه نفر مقصر در مسجد نو باطمینان تمام
پناهنده بودند. فرانس حکومت بکمال اقتدار آنها را
بدیوان حکومتی کشانده است چند نفر سادات اظهار
حمایت کرده آنها را نیز گرفتار کرده اند. و مسجد نو
جایی است که در سابق نسبت از دواصل اصیل داشت
یکی نسبت بمحورزه قدس شریعت مدار میسراند. و دیگر
مصلاهی رئیس مجلس ولایتی بود. و پناهنده با تکالیف
شریف از محکومیت نیز معاف میتوانست شد. و امروز
گذر باعجا رسیده است کتک خوردن کاشته گان علماء
از حد شار بیرون رفته. توهین است که از در و دیوار
میبارد. بروز اینگونه امور در اصفهان دلیل واضع
است بر اینکه در تمامی ایران از اقتدار علماء کاسته اند و
رئیس شورشیان و مشروطه خواهان را این جماعت
دانسته اند

جنوب ایران هم دامن بنصوب انگلیس یا طبیعاً

خلی مدشوش است از اینکه چند نفر از اطعم قارس
در قونسولگری انگلیس در شیراز محسن حسنه اند
معلوم میشود چیدل نیست. شمالی ایران بالنسبه املیت دارد
همان لحظه آذربایجان یکسره سر با طاعت نیساورده اند
و حرکات خود را میزانی تقدم و تاخر خیالات
مشروطیین قرار داده اند. احتمال می رود تبریزها هرگاه
فراغتی حاصل کنند دسته برای انجام بعضی امور خطیره
بتهران و اطراف منتشر نمایند. معلوم شد که غیرت
تمامی مات ایران در تبریزیان سر بیرون آورد. جایی
دیگر خبری نیست

مسئله دیگر که تازه باعث امید و ارکان مستبدین
را بنزول انداخته نهضت سیاسی عثمانی است. هرگاه یکی
دو روزنامه اخبار عثمانی را امروز در مات منتشر می
نمودند هیجان غریبی حادث میشد. بعضی حرثیات را که
مکتوباً خبر داشتم در مذاکره اش خیلی اثر دیده ام.
چند روزنامه همی خواسته ام کان ندارم آزادانه اذن
ورود بایران بدهند هنوز نرسیده است. و مجموعه
وزراء بحر خزانه که بواسطه نسبت روس پس از خدغن
دولت بتوسط قنصل روس منتشر می شد. جناب اقبال
توزیش را در اینجا طاع شدند. بی اطلاعی اهالی باندازه
ایست که هنوز بسیاری شورش عثمانی و مشروطیتش
را هیچ نه شنیده اند. و بعضی آن را از اخبار جعلی
مجاسیان دانند. هیجان علمای نجف مکتوبی بوده است
ولی مذاکره اش حرثت لازم دارد. معروف است هیئت
علماء عتبات تلگراف در مطالبه مجلس دیوار همپوز
نموده دستخطی جوابا رسیده است. مشر بر همراهی
و اسلام برستی. گویا خیلی مهارت در جواب بکار
برده اند. هنوز ندیده ام معروف شد که علماء
بسلامبول حرکت کرده اند. ولی بعضی تهدیدات از طرف
ایالت این خبر را بکلی خاموش کرد. عیب کار در
آنجاست که سردار و سالاری در ایران دیده می شود
و الا در روز آخر سه ماه وعده توقیف در طهران
هیجان مختصری شد و بازاری بستند. ولی بمرکت
چند نفر قزاق مطالب قطع شده.

بقیه البقی مشروطه خواهان منتظر و مترصد
خیالات آواره گان وطنند مثل آن است که متوقع باشند
باز مشروطه را این هیئت ملتی از اروپا بایران حمل

کدورت سابقه است که با آن اداره داشته و دارند از ابعاد مقدار مراقبت دولت در اسداد منافذ قدرت ظل السلطان معلوم میشود

الآن میشود که از دربار هاجون تلگرافی بموم ایران از اعلان انتخاب رسیده ولی هنوز زیارت نشده هرگاه قبل از آتام هرینه زیارت شد خواهم فرستاده اگرچه تلگرافا کلی را اطلاع خواهید یافت، بارمیشلوم که خبر صلح آذربایجان نیز رسیده است، از این دو مقدمه چنان حدت مبزم که کار تبریز بالأحره با نجا رسیده است که ملتبان تأسیس پارلمان را از شرایط سکوت و مصالحه قرار داده اند، دولت هم چاره جز تسلیم در این مورد ندیده، اول اعلان انتخاب داده است و صلح تبریزان را هم نتیجه گرفته، در هر صورت این خبر معلوم است باعث هیجان مختصری است، ولی باید دانست دو اصفهان باریاست شخص معلوم وصول اعلان و تلگراف از هر زمینه و مقام یکی از موجبات مخالفت استبداد باید محسوب داشت، چرا که پیش آمد امور میگردد که محال است اختیار نامه و آزادی سابق از جنگ چسبند دولتبان باین زودی بیرون آید، مگر باطایف بیرون بیاورند، در هر صورت از برویات آثار این تلگراف از بعد بمرض اداره میرسانم.

کرمان شاه

(۲۶ رمضان)

واقعات کرمان شاه اربن قرار است راه ها تمام مسدود، عبور و مرور قواهل موقوف، دکان و بازار بسته است، حادثات را سابق اطلاع داده ام، نازه این است، که جوان میرخان پسر داؤد خان کلهری با ضرور زیاد واحکام سر بسته از طهران وارد کرمان شاه شد، محمد علیخان پسرین العادین خان معروف کلهری که اینک در کرمان شاه خانه نشین است روز جمعه بیستم رمضان درحالتیکه بحمام میرفت پسر داؤد خان بجرم مشروطه خواهی او را گرفته از شهر حرکت داد

درین بین اهل محل خبر شدند که محمد علیخان را محکم مستبدین گرفته و بردند، صبح بیست و یکم رمضان نام شهر بویجان آمده با پسر داؤد خان میدان جدال

کنند، توقعشان برینجا نیست، تمام مواد جاذبه مات مجالاً بخارج احراج شده اند، و کسانی که بوده اند نبض معروطه بوده اند، اگر از آنها فرطی حادث شد شاید تا قبح در اتصالات آنها نیز حرکتی حاصل آید، و هرگاه نشد حرکت ایرانرا بواسطه محرکین داخلی باید چندی مأیوس بود، و حزب قات ترکی، سر مشق خوبی است ولی باز جرئت لازم است، و اهن این است که اول قطع علاقه کنند، و بعد شروع با اقدامات نمایند، و این در مورد بعضی که مایه وقوام این هیئتند خیلی مشکل است، ولی باز عرض می کنم روش و رفتار امروزه اولیاء دربار و حکام اطراف طارا از مراقب می مستغنی داشته و می دارد چیزی که هست سکوت هیئت مذقیه قدری برودت می آورد

بی بولی ادارات هم همان شدت سابق است قدری رشوه و تعدی از شکایت رؤساء کاتب است، همچو میناید که در این ایام مخفیانه تربیت استقراضی داده باشند، افواج هنوز بحتوی مانده اند، ایل بختیاری از سه ماه باین طرف مورد توجهات دربار هاجونی واقع شده، دو هزار سوار هم از ایل مذکور بمصاف تبریز رفت و شکسته و کشته مراجعت کردند، ترفیه حال را بر بعضی مناصب ایشان افزوده اند، افواج ثلاثه اصفهان را سردار ظفر برادر اسفندیار خان داده اند، با آهوا وارد اصفهان شده و قدری باعث ناگواری اقبال الدوله واقع گردید، سرآ کشمکش در بین افتاد تلگرافاً جواب و سؤال با مرکز نمودند، جواب صحیحی نرسید همان قسم بجهل مانده است، سردار هم بطهران مراجعت کرده، روش وسلوک سردار مینمود که پشت بانس بنیان رزین است، اگر مانده بود اقبال ظهور انقلاب میرفت یعنی با حکومت همسار نبودند، در زمان توقف او هلاه علی رقم ایالت با سردار گرم گرفتند، او هم دم زم میداد، بعضی از رؤساء ایل نیز در دربار شان و منزلقی حاصل کرده اند، آنچه بنظر میرسد این همه تعظیم و تجلیل ایل مذکور بواسطه بدر کشتگی قدیمی است که با ظل السلطان دارند چون بر او بند نسوی خود خوانده اند، بسکن ایل قشقان که بواسطه سابقه همراهی باشخص مذکور هیچ مورد توجه نیست، سپردن افواج ثلاثه اصفهان نیز به بختیاری از برکت هانت خصومت و

آراستند، یک شبانه روز طربین مشغول زد و خورد بودند ثابت مستبدین سنگرمای خود را از دست داده پسر داؤد خان و حنفه نفر همراهانش گرفتار و چند نفر هم از اهل شهر قتل رسیدند آنچه صفتی شده حکومت هم درین امر پدیده میل نبوده است

صبح پست و دوم رمضان چلد نفر دیگر هم از هوا خواهان پسر داؤد خان گرفتار و در توب خلّه دولتی زنجیر و حبس نمودند. از ایل کلهر سوار زیادی شهر را محاصره کرده اهالی بر آنها حمله برده و جوی از آنان را اسیر و برگنده کردند. فعلاً شهر در قبضه اهلی است. امروز که پست و ششم رمضان است دکان و بازارها باز شد. ولی مردم ایمن نمی باشند. ازین و بعد آنچه پیش آمد عرض خواهد نمود

عراق صرب

بموجب خطوطیکه از عراق وسیده بعضی از دشمنان عالم تمدن سعی اند برخلاف مشروطیت جهانی هم در سکنه عراق صرب اغتشاش انداخته دعوی مستبده و مشروطه ریا نمایند. از آن جهت تقیب و این جیل است و گویا در باطن والی هم با آنها همراه بوده جوی از رجاله را جمع نموده خواستند اختلافی بین مسلمین اندازند که از بابیالی تلگراف سخت در جلوگیری مخالفین رسید. که ولو ما توب و تنگ باشد رجاله را بجای خود نشانده مخالفین را تأدیب نمایند. بمجرد ورود این تلگراف از اسلامبول مخالفین پیش پای خود نشستند. صبح تر از همه اینکه آقا سید کاظم بزدی با مستبدین بغداد هم رابطه را محکم نموده بود. کسب این است که سید بر خود هم رحم نمیکند عنریسات اگر ترک مسلك نکوبد مورد سخط و غضب عثمانی واقع گردد

انجمن اخوت ایرانیان با کمال شکوه منعقد گردید و اسلامبول از مجلس اتحاد و ترقی عثمانیان تلگراف تبریک رسید از حضرت آیه الله آقای آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی متع الله المصنوع بطول بقائه تلگرافاً تبریک آمد و هیئتی که از سلاطین آمده اند با انجمن اخوت ایرانیان آمده اظهار داشتند که ما از جانب جمیعت اتحاد و ترقی عثمانی مأموریم که شما را حساب بایم و هرگاه نباید کسان بخوانند با شما سلوک مستبده کنند

تا اینکه مقتضی سیاست است دفع بیداد استبداد از شما کیم. اعضای انجمن خلیل از ایشان اظهار تشکر نمودند مکانی طلاً برای انجمن در پست و چهار لیرا کرایه شد. برخی اعضای مجلس اخوت ایرانیان را که جناب عالی آنها را می شناسید و از اراکین و اجله اهل علم و تجار محترم اند معرفی مینمایم. جنابان مستطابان میرزا ابراهیم

سلاسی. و آقا سید حسن صدر. و الخوی ایشان. و آقا زادگان محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای صدر. و آقا میرزا محمد سلاسی سیف اللها وغیره و غیره از اهل علم و فضل. و نیز جناب آقا میرزا ابراهیم خان ترجمان کار پرداز. و جنابان حاجی محمد حسن ناصر اصفهانی. و حاجی ولی بوف. و حاجی علی آقا مطلب. و آقا عباسقلی ترک. و حاجی علی اکبر اهرابی. و صاحب زاده شان حاجی میرزا عبدالوهاب. و غیره و غیره از محترمین تجار و اراکین ایرانی بالغ بر پانصد نفر تمام بر آن حلف نموده و عضویت انجمن اخوت ایرانیان را قبول نموده اند

اساسیه انجمن هم از فرش و کرسی و تخت و جعبه ما محتاج فرام آمد

جبل المتین

ما با کمال امید اعضای انجمن اخوت ایرانیان را تبریک گفته پیشرفت مقاصد عالیة ملیة شانرا از درگاه احدیت مسئلت می نمایم و متظربیم که القادرات فعلی ایشانرا زینت بخش محافت جبل المتین نمایم

بین الملک نامی بکار برداری بغداد مأمور شده از کرمانشاه حرکت کرده همین چند روزه خواهد رسید و مسلك او معلوم خواهد شد. هرگاه بخواند با اصول استبداد حرکت نماید بید نیست که فوراً هند او را بخوانند

جبل المتین

جناب بین الملک را صحت میکنیم بشاه راه ترقی و پیروی از اصول مشروطیت و ایشان را اطمینان میدهم بر اینکه استبداد در ایران مانند آفتاب لب بام رو بزوال است. خیر دنیا و آخرت ایشان پیروی از احکام حضرت آیات الله است

هیئت مستبدین که بر بی طرداری آقا سید کاظم بزدی و حایه شاه با پول منگنه وارد شده بودند

که ریاست صدر راومی و بحر العلوم رشتی اند، همینکه حکومت را از خیالات خدایه آنها اطلاع پیدا شد این نموده که ترک رفق نجف گویند که بیاد نسانی بر وجودشان مرتب آید، ازین طریق آقا سید کاظم خیلی به تلاش افتاده چون پول وافر همراه دارند بید نیست مقامات لازمه ماه رفته با عسکر خودی به نجف رسانیده و باز آیند ولی مشکل

در نجف اشرف قرائت خانه افتتاح شده که خیلی مودت تنبه و اطلاع عام و خاص گردید مدیر قرائت خانه جناب آقا سید محمود کتاب فروش بزدی و وکیل محترم جبلالین در نجف اشرف میباشند، آقا سید کاظم مخالفت زیاد با این قرائت خانه نیز نمود ولی کاری از پیش نه برد

سید اکبر شاه روضه طوان که حرکات و خیالات و سبب آمدنش ب عراق ظاهر است در نجف با آن درجه حیا که سید کاظم از او وارد شرافت بمر رود ماه رمضان بکربلا آمده روزی وفات را از حد گذرانید متصرف حکم داد که ازین و بعد منبر رود

جبلالین

اولین وظیفه اعضای محترم انجمن اخوت ایرانیان این است که ازین و بعد جلو اینگونه مفساد و وفات ما را گرفته صفحه باک عراق را از لوث وجود این گونه ناباکها پاک نمایند حالا که بخدمت دولت عابیه هتانی طرفدار حریت است نباید بگذارند که مفسدین ابراز غرض خود را درین نواحی مقدمه بخرج دهند و بموجب خبر موقتی که ما رسیده از آقا سید کاظم بزدیم التزام گرفته شده یا میگیرند که اگر دست از خیالات استبداد پرست که نتیجه بول دولتی است نکشد ویرا با خذلان تمام طرد از عراق عرب خواهند نمود

مکتوب طهران

۲۶ رمضان

فتوحات تبریزیان نه بآب اندازه بوده که بنده عرض کرده بودم، آنچه محقق شده دوازده هزار اردوی عین الدوله را بوسی آرد و مار کرده اند که دوباره حبیب آنها از محلات است و تمام ذخیره و قور خانه و سیورسات اردو را غنیمت بردند، در دربار شهرت خارده که تا کنون بالغ بر دو کروار ذخائر دولتی غنیمت

بجاهدین تبریز شده، این اخبار اهالی سایر بلاد را هم حرکت و هیجان آورده، افواه است که شاه دست و پای خود را کم کرده دشنام زیاد بامیر بسادر داده و برای اطفال مجاهدین تبریز شصتاً عماره با انجمن ابائی کرده ولی این خبر افوی است میتوانم صدق و کذبش را بیان نمایم

شاهزاده فرما فرما را هم مأمور به تبریز نموده افواه است که مأمور بجنکس کردند زبر بار نرفت و وارد طهران شد گویا مأمور بصلحتش نموده اند ولی صلح از جنگ بدتر است چه مخصوصاً شاه و امیر هادر و هموم درباریان را عقیده این است که اهم بر صلح با حکم، هیچ چیز اهل تبریز بساید اتفاق نمود، و روی و دکی حریش ورد رهاشان است که هرگاه ما و تمام آذربایجان را حزام بروس واگذار خواهیم کرد، اندا ازین سخن شرم می نمایند و خیال میکنند آذربایجان را بروس واگذار کردن اسباب آسایش آمان فراهم خواهد آمد افسوس که ضمیمه و مخراجه فیه که روسها برادر خوانده آنها نمی باشند سیدار در تبریز وارد تروین شده است

همه پیشتر موردت بریشانی در بار شده حرکات ملاقراسلی عهد و هیجان اهالی ریحان در مشروطه خواهی است، چنان می نماید که هم آفریب تمام آذربایجان ملحق به تبریز شود ازین خوف است که دولتیان با منتهای کوشش سعی اند که اردوئی براساس نام در آذربایجان تشکیل بدهند تا مردم سایر بلاد آذربایجان اربین رعب و آتربزیان ملحق شود تبریزها نیز این نکته را دانسته سعی اند که نگذارند اردوی دولتی تشکیل یابد

تنگرقات موحنس ار کرمانشاه میرسد اگر صوبه کرمانشاه هم خورد کار خیلی سخت خواهد شد

امروز دولت در کار خود در مانده اطمینان به باملیت هیچ شهری از شهرهای ایران نیست، طالبان خیلی افشاشان است عهد الساطه علیه ما علیه خیلی از سه سال است اسباب خدایه مردم شده گویا اهالی طالبان حاکم خود را بقتل رسانیده دارالحکومه را متصرف شده اند مختصراً از بدبختی این جوان مفروز از وقتی که مجلس را بهم زده بدری حکام و مأمورین

دولت ظلم و ستم می‌بایند که حتی خیر خواهان مستبدین زوال استبداد را خواهان شده‌اند، مالیات از هیچ جا وصول نیکرود و آنچه هم وصول شود از جیب حکام خارج نمی‌شود، دربار قحطی بول، قحطی انعام و اعاق، قحطی دولت خواهی افتاده، هر کس در فکر آن است که خر خود را از پل بگذراند، و هر وسیله بتواند جیب خویش را پر کند نهداید چه مضادات در دربار جمع شده محشر حشرات است

یکی از اراکین بزرگ دربار امروز شیخ فضل الله است شیخ فضل الله از رشته ملای خارج شده مسلک اعیان اختیار نموده است هر ساعت يك خارج آره می دولت می‌ترشد و يك سیاهه بالا بلندی تقدیم میکند بدهند از کجا؟ بدهند شیخ رنجیده می‌شود، خیلی از شیخ فضل الله دولت خوف دارد، و با کمال مراعات با او سلوک می‌نماید چه اگر امروز او از دولت برگردد دیگر یار و معین مشرعی برای استبداد باقی می‌ماند چه آقا سید کاظم بزوی هم تابع اوست شیخ هم این نکته را دانسته خوب دولت را میدویند

این ایام چون زدیک است باغاب و کلا بر حسب وعده رسمی دولت شیخ خیلی در تکابوست که آن روز بلکه تمام ایران را بصد آرد، که ما مجلس می‌خواهیم در هر نقطه مشروطین میخواهند جمع شود اهم در طهران و سایر بلاد حکام بقوه جبر و جلوگیری می‌بایند و در احتمالات مستبدین مردم را بزور از خانه‌ها میکشند و حاضر میکنند، و باین وسیله میخواهند رسمیت مشروطیت سلطنت ایران را در نزد خارجه ابطال نمایند ملشی سفارت روس نامیر هادر گفته بود

این اقدامات ادا معد نیست، چرا که خارجه در آورد خلله ایران حبرا تصرفی نخواهند کرد، ابطال مشروطیت رسمی ایران بدو امر ممکن است، اول غلبه تمامه دولت بر مشروطین، اینک چهارماه است دولت از غلبه بر نصف شهر تبریز صجز آمده، و بی در پی شکست می‌خورد، بر درس صد مضبطه هم دولت درست نماید توای قهریه مشروطین چه تواند نمود، اگر آذربایجان محزی شد و یا اردو بطهران کشید باین مضبطه‌ها دولت میتواند رسمیت مشروطیت سلطنت را باطل نماید، دوم امنیت مملکت است یعنی چنانکه

میخواهد بخارجه بقولاند که ملت وی استقلال سلطان خود را طالب اند و مشروطیت را، افلا میبایست درین چهار ماه داخله خود را امن نموده و در انتظامات خود را از زمان مشروطیت بهتر حلوه میدادند، و حال آنکه در هیچ زمانی ایران باین اغتشاش و راه‌ها باین نا امنی نبوده، این انقلابات ایران اگر مخالفت با استبداد گفته شود بجه تعبیر توان کرد، جز اینکه گفته شود اداره حاکمه دولت قابل انتظام نیست و اقتدار امنیت مملکت را ندارد، بر فرض بدول هم قبولانده شد که ملت ایران مخالف با مشروطیت اند آیا دول همجوار که ملیونها مراودات تجاری با ایران دارد تا کی بضرر خود تن در داده درین انقلاب و اغتشاش سیاحت خواهند ماند، چهار ماه برای امنیت يك مملکت که بقول شاه همه شاه برستند کافی شناخته شده، و امید بهبودی هم درین وضع نیست چه روز بروز در عرض بهتری بدر می‌شود،

تا این همه تا کنون امیر هادر و شیخ فضل الله سعی اند که به تمام دول و ملل متمده دنیا ضمه‌اند و بقبولاند که طبعاً ایران مخالف مشروطیت است و دیانت حقه اسلام منافی با عدالت و مساوات و مواساة و سلطنت شوروی است شیخ فضل الله يك مرتبه خود را از سیاق ملای خارج نموده در قطار لیا کوف و امیر هادر و امثال آنها شامل شده‌است هر وقت میخواهند کلاه ضری بر سر هر عمل با مشرعی بگذارند وجود شیخ ضروری می‌شود

حلی از اداره آقا سید کاظم بزوی به شیخ فضل الله رسیده که طلاب مشروطه خواه ریخته خواستند سید را بکشند، شیخ فضل الله در دربار کوشش دارد که ملکه بتوسط عثمانی از سید کاظم حمایت بشود از عثمانی جواب یأس شنیده و گفته اند سید کاظم چون معد است و از وجود او در عراق خوف افساد می‌رود بهتر این است که دولت ایران او را طلب نماید ورنه اگر مصدر سادی تازه شود معلولاً او را طرد خواهند نمود بهر صورت بود شیخ بذریعه این خط بجهزار تومان حواله بر سرگمرک خلعه کرمانشاه گرفت که برای مبارزت سید به محض برساند، و شاه دستنهایی به آقا سید کاظم صادر نموده اظهار تأسف